



عنوان و نام پدیدآور: سفیر الحُسین علیه السلام؛ چکیده معارفی پیرامون زیارت اربعین؛ تهیه و تنظیم: مؤسسه فرهنگی ولاء منتظر رحمتهما الله تعالی.

مشخصات نشر: قم: قم: ولاء منتظر رحمتهما الله تعالی، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۱۱۶ ص.

شابک: ریال: 8-0-91952-622-978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا.

یادداشت: عنوان دیگر: چکیده معارفی پیرامون «زیارت اربعین».

یادداشت: کتاب نامه به صورت زیرنویس.

موضوع: حسین بن علی علیه السلام، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق. - اربعین.

موضوع: حسین بن علی علیه السلام، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق. - سوگواره ها.

موضوع: حسین بن علی علیه السلام، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق. - آرامگاه ها - زیارت.

موضوع: زیارتگاه های اسلامی - عراق.

موضوع: زیارت و زائران - عراق - کربلا.

موضوع: جهل (عدد) - جنبه های مذهبی - اسلام.

موضوع: زیارتگاه های اسلامی - زیارت - آداب و رسوم.

موضوع: زیارت نامه اربعین.

شناسه افزوده: مؤسسه فرهنگی ولاء منتظر رحمتهما الله تعالی.

رده بندی کنگره: BP ۴۱/۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۹۵۳۴

شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۵۲۶۱۷



فِرَّاحِوس

چکیده معارفی پیرامون
«زیارت اربعین»





سفیر الحسین علیه السلام

چکیده معارفی پیرامون «زیارت اربعین»

- | | | |
|--------------|---|---|
| تهیه و تنظیم | ■ | مؤسسه فرهنگی ولاء منتظر فرج الله الشریف |
| طراح جلد | ■ | خاوری - محمد فام |
| صفحه آرا | ■ | محمد صادق زارع |
| ناظر چاپ | ■ | محمد صادق زارع |
| شمارگان | ■ | ۵۰۰ جلد |
| نوبت چاپ | ■ | اول / ۱۴۰۳ |
| شابک | ■ | ۹۷۸-۶۲۲-۹۱۹۵۲-۰-۸ |

آدرس مرکز پخش: قم، خیابان مصلی، جنب کوچه ۸، پلاک ۷۱۲،
مؤسسه فرهنگی ولاء منتظر فرج الله الشریف

شماره تماس: ۰۹۱۲ ۷۵۸ ۶۴۵۷

تارنما: mfvm.ir

رایانامه: info@mfvm.ir

تارنمای فروشگاه: shop.mfvm.ir

رایانامه فروشگاه: shop@mfvm.ir

فهرست

۷ | مقدمه

۷ | کربلا طریق الاقصی

۱۱ | زائر الحسین علیه السلام؛ سفیر الحسین علیه السلام

۱۸ | سفیران امام حسین علیه السلام

۲۹ | جایگاه اربعین و عدد ۴۰

۳۰ | اربعین در قرآن

۳۲ | اربعین در روایات

۳۹ | زیارت پیاده اربعین و ظرفیت‌های آن

۳۹ | ۱. تقویت اراده

۴۰ | ۲. پاک شدن روح از گناهان

۴۱ | آداب سفر مؤمن

۴۲ | آداب قبل از سفر

۴۴ | آداب ساعاتی قبل از سفر

۴۴ | آداب شروع سفر

۴۹ | زیارت با پای پیاده

۱. پاداش زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) با پای پیاده ۵۰
۲. پاداش دوچندان بازگشت از زیارت با پای پیاده ۵۰
۳. پاداش زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) با پای پیاده ۵۱
۴. پاداش رفتن به زیارت کربلا با پای پیاده ۵۱
۵. پشیمانی از ترک حج با پای پیاده ۵۳
۶. یک حج پیاده برتر از هفتاد حج ۵۳
۷. معانقه فرشتگان با حاجیان پیاده ۵۴

آداب زیارت | ۵۷

- آداب زیارت قبر سیدالشهدا (علیه السلام) ۵۸

افرازی از زیارت اربعین | ۶۱

- دکره ۴۰ شایستگی سیدالشهدا (علیه السلام) در زیارت اربعین ۶۱
- سلام‌های هفت گانه زیارت اربعین ۶۴
- شهادات نه گانه در زیارت اربعین ۶۵
- مهدویت در زیارت اربعین ۶۶
- فریاد یا حسین (علیه السلام) ۶۸

سفرنامه کربلا (زیارت اربعین) | ۷۱

روزشمار سفر | ۸۱

پاسخ به یک پرسش مهم | ۱۰۱

اماکن کربلا | ۱۰۵

زیارت‌نامه اربعین | ۱۰۷

منشورات ولاء منتظر (عجل الله تعالی فرجه) | ۱۱۳

مقدمه |

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ
بِفِنَائِكَ عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ (أَبَدًا) مَا بَقِيْتُ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ
النَّهَارُ وَ لَجَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ السَّلَامُ عَلَى
الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى
أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ.

امام حسین علیه السلام می فرمایند:

«مَنْ كَانَ بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ وَ مُوَظِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ
نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا؛^۱ آن که خون قلبش را تنها برای
ما بذل می کند و خود را با دیدار با خدا آرام کرده
است، با ما سفر کند.»

کربلا طریق الاقصی

خدای را شاکریم که مسلمان شیعه دوازده
امامی هستیم و از برکت ائمه معصومین علیهم السلام

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۶.

برخورداریم.

و اگر لحظه‌ای غفلت ما را فرا گیرد راه توبه، برگشت و پاک شدن برایمان باز است.

البته بعضی اوقات بجای راه، شاهراهه‌ای وسیع همچون مناسبت «اربعین» که یکی از علامات مؤمن، خواندن آن زیارت است پیش روی ماست. امروزه به پاس خون شهیدان انقلاب و جمهوری اسلامی، پیاده روی اربعین مظهر تجلی عشقی بی پایان به خداوند متعال بواسطه حسین ابن علی (علیه السلام) می باشد.

از آنجا که وجود ظهوری امام حسین (علیه السلام) یک وجود و ظهور عالم تاب و تمام ملکی و ملکوتی است؛ لذا در قلب‌های بیدار رخ می نمایاند و در بیرون نیروی محرکه‌ای برای سازندگی و تمدن سازی جهانی و فرائزادی می باشد.

سعه وجودی امام حسین (علیه السلام) و انرژی برخاسته از نهضت او همان انرژی لازم برای احیاء نفوس اجتماع قلوب و امت سازی حول محور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، برای ظهور است.

طوفان انقلاب اسلامی، طوفان الاقصی، طوفان الاحرار، طوفان المجاهدین و ده‌ها طوفان جهادی و عدالت خواه دیگر همه و همه برگرفته از طوفان

کربلایی امام حسین علیه السلام و اصحاب او و اشعه‌ای از طوفان المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و طوفان ظهور عدالت گستر، حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف منتقم خون حسین، قائم آل محمد است.

حرکت تمدنی بی مرز اربعین، که با محوریت حب الحسین علیه السلام آغاز گشته، ظرفیت عظیم محبان اهل بیت علیهم السلام و آزادگان جهان را به میدان آورده و یک عملیات گسترده نرم ولی آتشین و خانمان سوز برای فرقه‌ها و مکاتب انحرافی است و زمینه ساز نظم نوین توحیدی و ولایی با نقش آفرینی مظلومان تاریخ و توده‌های عظیم مردمی می باشد.

تمدن برگرفته از عاشورا و کرب و بلا با به سخره گرفتن مکتب لذت غربی و شیطانی، یک جبهه عظیم رحمانی با اقتدا به حرکت آگاهانه خونبار حسین در جغرافیایی به گستردگی نفوس آزادگان جهان تشکیل داده و با نمایش مقاومت عزت‌مندانه غزه و فلسطین و خنجر کشیده یمن و دستان مقتدر ایران و فریاد بلند اهل عراق و بحرین و صف متحد مسلمین پاکستان و اندونزی و قلب مشتاق جوانان اروپایی و آمریکایی در ایجاد یک جبهه واحد بر علیه زر دوستان و زورگویان و تردید گران عصر تکنولوژی است.

این مقابله و مواجهه فطرت بیدار، آگاه و عدالت خواه انسان ها، زیر بیرق سیدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَام و امام منتظران عَلَيْهِ السَّلَام در حال سازماندهی است و ما امروز با بصیرت لازم، باید به نقش تاریخی خود بیاندیشیم و به شعار تاریخی «**كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا**» تحقق عملی بخشیم.

| زائر الحسین علیه السلام؛ سفیر الحسین علیه السلام |

عاشق بودم، زائر شدم و زائر بودم که خود را
سفیر دیدم و این شانه‌های من است زیر بار
رسالتی که اربعین و مشایه آن را برایم رقم زده است.

اینک مرا می‌شناسید منم سفیر الحسین علیه السلام.

همانم که در راه زیارت اربعین، شیفته و حیران
سیدالشهدا علیه السلام با دلی بی‌قرار پای در راه نهادم! من
همانم که با پای مجروح و تاول زده، تن خسته‌ام را
به همراه خود می‌کشیدم تا نشان عاشقیم باشد در
مسیر زیارت محبوبم.

آری این منم.

زائر الحسین علیه السلام بودم که قدم به قدم گام
برمی‌داشتم با کوله باری پر از شور و شوق زیارت
محبوب و اینک باز می‌گردم با توشه‌ای پر از
مسئولیت و رسالت و پیام!

دانستم که اگر به صدق و وفا، مسیر زیارت را

پیموده باشم، محبوب دستم را می گیرد و بذر محبتی که در دلم جوانه زده بود، در کنار خورشید وجود او نهالی خواهد شد که پیوسته در مسیر رشد و بالندگی قرار خواهد گرفت.

و من؛ من زائر؛ من عاشق، چنان قد خواهم کشید که نهایت این طریق یعنی طریق الحسین (علیه السلام)، نه فقط زائر عاشق، بلکه دیگر سفیر الحسین (علیه السلام) خواهم بود.

این منم ایستاده در ادامه صفی طولانی از نمایندگان مرام و پیام حسین (علیه السلام). ابتدای این صف طولانی مسلم بن عقیل را می بینم که به سفارت و نیابت حسین (علیه السلام) مفتخر شد و چه خوب سفیری بود؛ مسلم برای مرام و پیام آقای مظلومش. جان گذاشت به پای این رسالت و سفارت.

قیس را می بینم، قیس بن مسهر که نمایندگی کرد حسین (علیه السلام) را در میان جمعی کوفی! همه دیدند که چگونه عاقبت این سفیران به عاقبت آقایشان گره خورد و زهی سعادت و خوش عاقبتی!

در جمع سفرای سیدالشهدا (علیه السلام) از هر مقام و رتبه ای نماینده ای هست. مرد، زن، امام معصوم، غیر معصوم و....

زائر الحسین (علیه السلام)؛ سفیر الحسین (علیه السلام) ■ ۱۳

هر کس پیام حسین (علیه السلام) را سر دست بگیرد و برای مردمی که در سال ۶۱ هجری در پهنه‌ای از زمین، نبودند و ندیدند تاریخ چگونه رقم خورد، مرام و اهداف قیام کربلا را زنده نگه دارد، سفیر الحسین (علیه السلام) است و من نیز اینک یک سفیرم. نه من که هر زائری اگر روح قیام امام حسین (علیه السلام) را در صحنه زندگی خود و جامعه زنده بدارد، نماینده امام (علیه السلام) است.

اینک مرا می‌شناسید منم سفیر الحسین (علیه السلام).
کدام حسین؟

امامی که بیش از ۱۳۰۰ و اندی سال از دوران امامت و شهادتش می‌گذرد؛ اما بیدارگری او همواره تازه و با طراوت و پیامش همیشه جدید است و دردهای روزگار ما همواره با نسیم جانبخش حیات و شهادت او درمان می‌شود.

مرا حسین (علیه السلام) به پیامبری مبعوث کرده است. پس پیامبر کربلا می‌شوم سفیر حسین (علیه السلام).

آنگاه که فقط دل‌داده او بودم، آنگاه که فقط عزادار و زائر او بودم، دنیای کوچکی داشتم.

جهانی داشتم که فقط من در آن بودم پراز سوز و درد و داغ مصیبت‌های محبوب. عاشق بودم و فارغ. فارغ از خوب و بد دنیایی که با جهان من و

محبوب، بسیار متفاوت بود. دنیای بیرون، دنیای پیر از ظلم و زشتی و پلشتی بود ولی من که سر در گریبان دلدار داشتم، غافل از دنیای بیرون و سرمست از شور و شغف با او بودن از همه دنیا فارغ بودم و فقط به محبوب می‌اندیشیدم به حسین (علیه السلام).

سفیر شدن اما داری دیگر بروی من گشود. سفیر بودن داستان دیگری داشت و دارد... سفیر در جهان واقعی سیر می‌کند. سفیر دنیای دو نفره ندارد. ظلم‌ها، زشتی‌ها و پلشتی‌ها را می‌بیند و باید برای آن چاره بسازد. سفیر باید پیام رسان باشد. سفیر باید اراده و اندیشه امام را به مردم برساند و اهداف و انگیزه‌های او را در میان مردم زنده کند. سفیر بیدار است و باید جامعه منتظر را آماده حضور ولی خدا کند. مخاطب او مردمی هستند که باید از بازی‌های زمانه مطلع شوند. سفیر پیام رسان امام است. زبان‌گویای امام است برای آدمیان. اراده و خواست امام، مطلع کردن مردم است. سفیر، مردم را با اراده و خواست امام آشنا می‌کند.

جهان من آنگاه که فقط زائر جهان کوچکی است. وقتی سفیر می‌شوم، جهان من و حسین (علیه السلام) جهانی بزرگ می‌شود. جهانی که یک جامعه بزرگ

زائر الحسین علیه السلام؛ سفیر الحسین علیه السلام ■ ۱۵

از آدمیان در آن جهان زیست می کنند. جهانی که
من باید آن را بسازم، چنانکه حسین علیه السلام بفرماید و
بخواهد و امر کند.

امام من برای اصلاح امر دینِ آدمیان، قربانی
داده و قربانی شده. او برای من و ما تا قیامت نقشه
راه ترسیم کرده. او به ما نشان داده اگر فقط در دایره
تنگ زندگی فردی مان، مسلمان باقی بمانیم هنر
نیست. دین در پهنه اجتماع باید ارج و مقام یابد
و حکم خدا باید بر صدر بنشیند؛ نه آنکه فقط نماز
و مناجات و ذکر من در خلوتم باشکوه باشد.
جامعه باید متعالی شود؛ نه آنکه فقط من خود را از
پستی باز دارم. سفیر حسین علیه السلام که باشم جهان
من بزرگ می شود.

من بزرگ می شوم. مثلی لایبایع مثله برایم جان
می گیرد. حسینِ زمانه را می جویم و یزید زمانه را و
حسینی بودن را!

وقتی فقط عاشق حسین علیه السلام باشم، وقتی فقط
زائر حسین علیه السلام باشم، دنیای کوچک عشقِ حبیب
و محبوب چندان قدرت جان نثاری به من
نمی دهد. انگیزه تحول و تغییر در من ایجاد
نمی کند. مبعوثم نمی کند به پیامبری کربلا؛ اما
سفیر حسین علیه السلام که باشم هر گام که در جاده

ارادت به مولایم بردارم، رسالت و پیامبریم برای پیام
ظلم ستیزانه و انسان ساز و جامعه ساز کربلا را به
رخ می کشم و جهان باید کرنش کند در برابر این
پیام و مرام.

من سفیر خواهم بود و عاشورا آن نیست که
می گفتم و می پنداشتم. وقتی سفیر شوم خواهم
فهمید که عاشورا حقیقت جاری و عینی در دل
تاریخ است؛ حقیقتی زنده است، بی پیرایه و آشکار
و تحلیل های دل بخواه این و آن اهداف و شکل
قیام را عوض نمی کند.

عاشورا و داستان کربلا با شکوه و جلال هرچه
تمام تر به احیای دین قد علم کرد به احیای اخلاق
و عقاید و احکام؛ آنچه که برخی می کوشند، نادیده
بگیرند و آنچه خود می خواهند از تابلوی پرازنقش
و پیام کربلا پررنگ کنند.

امر دین امر پیچیده ای تشکیل شده از اخلاق و
احکام و عقاید است. دین همان چیز است که امام
برای اقامه آن قیام کرد و مبارزه کرد و جان داد و
سفیر باید به احیای امر دین بپردازد تا پیام
محبوب خود را زنده نگاه داشته و به مخاطبان این
عصر انتقال دهد.

پیروی از امام حسین علیه السلام و قدم نهادن در

جای پای او تنها از گذر رعایت احکام خدا، رعایت اخلاق و باور به عقاید درست میسر می شود.

سفیر عاشورا با آنان که امام کربلا را به نازل ترین حد خود تقلیل می دهند، سرسازش ندارد و تحریف را تاب نمی آورد. در برابر آنها می ایستد، سفیر کربلا تاب نمی آورد که در جامعه تنها نامی از حسین (علیه السلام) باشد و اشکی و آهی. او جامعه را حسینی می خواهد. حسینی می سازد. سفیر نمی نشیند، همواره به تلاش برخاسته است. سفیر حسین (علیه السلام) از مقام عاشق به مقام زائر و از مقام زائر به مقام سفیر رسیده است. پس منت دار این مسئولیت است. آنچنان که امامش در راه دین سر داد و پسر داد و همه چیز خود را فدا کرد، او نیز از جان مایه می گذارد و پیام و مرام حسین (علیه السلام) را در زندگی فردی و اجتماعی خود جاری می کند. آیینی می شود برای محبوب و زندگی او. آیینی می شود برای محبوب و جامعه ای که او می خواست بسازد یعنی جامعه ای که امام زمان خود را طلب کند، تاب آورد و بر صدر بنشاند.

اینک مرا می شناسید! منم سفیر حسین (علیه السلام)!

حتماً مرا دیده اید. من نیز شما را دیدم. شما

هم سفیر حسین هستید... نیستید؟

سفیران امام حسین علیه السلام

برای امام حسین علیه السلام قبل و بعد از عاشورا، سفیرانی بوده که بنا بر نظر ایشان اعزام شده و پیغام حضرت شان را به افراد مناطق مختلف می‌رساندند.

قبل از عاشورا

مسلم بن عقیل علیه السلام

مُسلم بن عَقیل بن ابی طالب علیه السلام، سفیر امام حسین علیه السلام در کوفه، در واقعه کربلا و از آل ابی طالب بود. برخی از منابع، او را شجاع‌ترین و نیرومندترین فرزندان عقیل معرفی کرده‌اند.

هنگام خروج امام حسین علیه السلام از مدینه به سوی مکه، مسلم بن عقیل یکی از همراهان او بود. پس از این‌که نامه‌های مردم کوفه به امام رسید، ایشان مسلم را به کوفه فرستاد تا اوضاع و شرایط آن شهر را بررسی کند و درباره درستی ادعای کوفیان مبنی بر کثرت پیروان امام، اطمینان یابد و به امام گزارش کند. در کوفه ۱۲ هزار نفر با مسلم بن عقیل به نمایندگی از امام حسین علیه السلام بیعت کردند و برای همراهی با امام، اعلام آمادگی کردند.

یزید، عبیدالله بن زیاد را که در آن هنگام حاکم

بصره بود، به حکومت کوفه نیز منصوب کرد. با ورود او، به کوفه به نظر می‌رسد که اوضاع به طور ناگهان علیه مسلم بن عقیل برگشت و بسیاری از مردم کوفه که قصد قیام علیه حکومت یزید را داشتند، از ترس جان، پراکنده شدند. عبیدالله پس از ورود به کوفه، سران قبایل را تهدید کرد که نام و نشان بیعت‌کنندگان از قبیله خود را در اختیار او قرار دهند و یا متعهد شوند که کسی از قبیله ایشان، مخالفتمویمان نخواهد کرد وگرنه خونشان را خواهد ریخت و اموالشان را مصادره خواهد کرد.

مسلم پس از تنهایی و بی‌سرپناهی به زنی به نام «طوعه» پناه برد و در خانه او مخفی شد؛ اما پسر طوعه، صبح روز بعد، خبر مسلم را به عوامل حکومت رساند.

مسلم بن عقیل را به بالای دارالاماره بردند و در حالی که ذکر و تکبیر می‌گفت و بر خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) درود می‌فرستاد، سر از بدنش جدا کردند و پیکر مطهرش را به زیر افکندند. سرِ «مسلم» را همراه سرِ «هانی» نزد یزید فرستادند.

شهادت مسلم بن عقیل در روز عرفه، نهم ذی‌الحجه سال شصت هجری بود. زمانی خبر شهادت وی به سیدالشهدا (علیه السلام) رسید که وی از

مکه بیرون آمده و در راه کوفه بود. آن حضرت طی سخنانی دربارهٔ مسلم بن عقیل، چنین فرمود: «خدا مسلم را رحمت کند، او به رحمت و رضوان خدا شتافت و تکلیفش را اداء کرد و آنچه بر دوش ما است، باقی مانده است».

قیس بن مُسَهر (علیه السلام)

قیس بن مُسَهر (مُسَهر) صیداوی اَسَدی (علیه السلام)، نامه‌رسان بین امام حسین (علیه السلام)، کوفیان و مسلم بن عقیل که در قادسیه به دست نیروهای عبیدالله بن زیاد گرفتار شد و چند روز قبل از واقعه عاشورا به شهادت رسید. نام وی در زیارت الشهداء آمده است. امام حسین (علیه السلام)، قیس را از وادی حاجر، روانه کوفه کرد، وی در این سفر، جواب امام به نامه مسلم را به همراه داشت؛ البته بعضی از گزارش‌ها گویای آن است که این نامه از کربلا به کوفه فرستاده شد. ولی به هر حال پس از شهادت مسلم این نامه ارسال شده است.

اصلی‌ترین نقش قیس، در جریان واقعه کربلا را می‌توان، نامه‌رسانی وی عنوان کرد. نامه‌هایی که قیس در این جریان رد و بدل کرده عبارتند از:

زائر الحسین علیه السلام؛ سفیر الحسین علیه السلام ■ ۲۱

✓ رساندن نامه‌های کوفیان به امام حسین علیه السلام
در مکه؛

✓ رساندن نامه مسلم از بین راه به امام
حسین علیه السلام؛

✓ برگرداندن جواب امام علیه السلام به مسلم؛

✓ همراهی با مسلم در سفر و رساندن نامه مسلم
به امام حسین علیه السلام در جریان بیعت کوفیان؛

✓ همراهی با امام حسین علیه السلام و رساندن نامه امام
حسین علیه السلام از حاجر به کوفیان.

هنگامی که قیس به قادسیه رسید، حصین بن
نمیر، او را دستگیر نمود. حُصَین، قیس را پیش
عبیدالله بن زیاد فرستاد تا ابن زیاد درباره او
تصمیم‌گیری کند. وی قبل از دستگیری نامه‌ای را
که به همراه داشت پاره کرد تا به دست دشمن
نیفتد.

به دستور ابن زیاد، قیس به بالای منبر رفت تا
طبق قرار، با ابن زیاد، علی علیه السلام و دو فرزندش را لعن
کند. وی وقتی بر فراز منبر رفت ابتدا خدا را سپاس
گفته و ستایش کرد. سپس درود بر پیامبر
اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرستاد و علی و حسن و حسین علیهم السلام را
فراوان مدح نموده و بر آنان رحمت فرستاد.

وی در ادامه عبیدالله بن زیاد، پدرش و

ستمکاران بنی امیه را از اول تا آخر لعن و نفرین کرد
آنگاه گفت:

ای مردم، من فرستاده حسین علیه السلام به سوی
شمایم و در فلان موضع از او جدا شدم، به سوی او
بروید.

پس از افشاگری های قیس، ابن زیاد دستور داد
او را از بالای بام قصر پایین انداخته و به شهادت
رساندند. سپس ابن زیاد دستور داد بدن وی را
قطعه قطعه کردند.

هنگامی که خبر شهادت قیس توسط طرماح
بن عدی به امام رسید اشک در چشمانش جاری
شد و فرمود:

﴿...فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا
تَبْدِيلًا﴾^۱ برخی از آنان پیمان خود را به آخر بردند. و
برخی از آنها در [همین] انتظارند و هیچ گونه
تغییری در پیمان خود ندادند. ﴿

بار خدایا، برای ما و آنها بهشت، مقرر فرما و
میان ما و آنها در قرارگاه رحمت و ذخیره گاه نهان
ثوابت فراهم آور.

در فرازهایی از زیارت ناحیه به یکایک شهدای
کربلا سلام داده می شود، در این قسمت نام قیس

هم آمده و گفته شده:

«الْسَّلَامُ عَلَى قَيْسِ بْنِ مُسْهَرٍ الصَّيْدَاوِيِّ»

بعد از عاشورا

امام سجاد (علیه السلام)

حضرت «علی بن حسین بن علی بن ابی طالب» (علیه السلام)، مشهور به «امام سجاد» و «زین العابدین» (علیه السلام) (۳۸ - ۹۵ ه.ق)، چهارمین امام شیعیان هستند و به مدت ۳۴ سال امام بودند. امام سجاد (علیه السلام) در واقعه کربلا حضور داشتند، ولی به علت بیماری، در جنگ شرکت نکردند.

لشکر عمر بن سعد پس از شهادت امام حسین (علیه السلام)، ایشان را همراه اسیران کربلا به کوفه و شام بردند. خطبه امام سجاد (علیه السلام) در شام، باعث آگاهی مردم از جایگاه اهل بیت (علیهم السلام) شد.

امام سجاد (علیه السلام) از عاشورای سال ۶۱ (ه.ق) تا اوایل سال ۹۵ (ه.ق) که مسموم و شهید شدند، مسئولیت امامت را بر عهده داشتند.

امام محمد باقر (علیه السلام)

حضرت «محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب»: مشهور به «امام محمد باقر» (علیه السلام) (۵۷ -

۱۱۴ ه.ق) و ملقب به «باقرالعلوم»، امام پنجم شیعیان هستند که در ۳۸ سالگی به امامت رسیدند و حدود ۲۰ سال امامت شیعیان را بر عهده داشتند. امامت امام محمد باقر علیه السلام در دوران ضعف دولت بنی امیه و درگیری آنان با عباسیان بر سر قدرت بود.

ایشان به همراه مادرشان فاطمه بنت الحسن علیه السلام، در واقعه کربلا حضور داشت و همراه بازماندگان خانواده امام حسین علیه السلام به اسارت رفت. امام محمد باقر علیه السلام در هفتم ذی الحجه سال ۱۱۴ ه.ق) و به قولی در ربیع الاول سال ۱۱۴ ه.ق) به شهادت رسید. گفته شده که آن حضرت را، حاکم مدینه «ابراهیم بن ولید» به زهر، شهید کرده است و به نظر می رسد این کار به امر هشام بن عبدالملک (خلیفه وقت) صورت گرفته باشد.

حضرت زینب علیه السلام

حضرت زینب علیه السلام دختر امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیه السلام است. معروف ترین نام ایشان «زینب» است که در لغت، به معنای «درخت نیکو منظر و خوشبو» آمده و معنای دیگر آن «زینت پدر» است. ایشان شب ها به عبادت می پرداخت و در

دوران زندگی، هیچ گاه تهجد را ترک نکرد؛ آن چنان که ملقب به «عابدۀ آل علی» شد. شب زنده داری وی حتی در شب دهم و یازدهم محرم، ترک نشد.

بعد از عاشورا، اسیران را به کوفه بردند و در آن جا با وضع دلخراشی گردانند. در بدو ورود به کوفه، زینب (علیه السلام) برای حاضران خطبه ای خواند به طوری که همه حاضران تحت تأثیر قرار گرفتند.

وی بارها جان امام سجّاد (علیه السلام) را از مرگ نجات داد. پس از واقعه کربلا، یزید از عبیدالله خواست تا کاروان حضرت زینب (علیه السلام) را همراه سرهای شهیدان به شام بفرستد. موقعیت حکومت یزید هنگام ورود اسرا به شام، بسیار محکم بود. «هنگام ورود اهل بیت (علیهم السلام) پیامبر (علیه السلام) در شام، مردم لباس های نو بر تن کردند و شهر را زینت دادند و نوازندگان مشغول نواختن شدند و شادمانی، چنان مردم را فرا گرفته بود که گویا شام، یکپارچه غرق در سرور است».

ولی قافله اسیران در مدتی کوتاه، شرایط را به نفع خویش عوض کردند. خطابه هایی، که حضرت زینب (علیه السلام) و امام زین العابدین (علیه السلام) در شام ایراد و در آن جنایت های بنی امیه را آشکارا بیان کردند. در اثر

روشنگری حضرت زینب علیه السلام، یزید مجبور شد جنایت و قتل امام حسین علیه السلام را به گردن ابن زیاد بیندازد و او را لعن کند. سرانجام، اسیران خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با تکریم و احترام، به مدینه بازگشتند.

حضرت زینب علیه السلام در روز یک شنبه ۱۵ رجب سال ۶۲ق درگذشت. برخی نیز درگذشتش را روز ۱۴ رجب دانسته‌اند. مشهور این است که قبر حضرت زینب علیه السلام در شام است. این مکان اکنون در جنوب دمشق قرار دارد. به سبب وجود حرم حضرت زینب علیه السلام، این منطقه «شهرک السیده زینب» نام گرفته است.

جابر بن عبدالله انصاری

جابر بن عبدالله انصاری، صحابی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و راوی حدیث لوح می‌باشد که دربردارنده نام امامان شیعه علیهم السلام از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

جابر را از اصحاب پنج امام اول علیهم السلام دانسته‌اند. همچنین بنابر روایات، او سلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به امام محمد باقر علیه السلام رساند.

در هنگام وقوع حادثه کربلا و شهادت امام حسین علیه السلام، جابر پیرمردی سالخورده بود و در

مدینه اقامت داشت.

در اربعین شهادت امام حسین (علیه السلام)، جابر به همراه عطیه عوفی، برای زیارت امام حسین (علیه السلام) به کربلا رفت و اولین زائر آن امام همام بود.

وی که آن هنگام نابینا شده بود، در فرات غسل کرد، خود را خوشبو ساخت و گام‌های کوچک برداشت تا سر قبر حسین بن علی (علیه السلام) آمد و با راهنمایی عطیه عوفی، دست روی قبر نهاد و بیهوش شد، وقتی به هوش آمد، سه بار گفت: یا حسین! سپس گفت: «حَبِيبٌ لَا يَحِبُّ حَبِيبَهُ...»؛ دوست پاسخ دوستش را نمی‌دهد...؟!» آنگاه زیارتی خواند و روی به سایر شهداء کرد و آنان را هم زیارت نمود.

در آغاز امامت امام سجاد (علیه السلام) یاران وی انگشت شمار بودند و جابر نیز از اندک یاران آن امام بود.

عطیه کوفی

در سال‌های ۳۶ تا ۴۰ قمری، روزی سعد بن جناده، به خدمت حضرت علی (علیه السلام) رسید. ولادت فرزندش را به حضرت، اعلام کرده: تقاضای نام گذاری نمود. حضرت (علیه السلام) نوزاد را در آغوش گرفت و

فرمود: «**هذا عطية الله**» این نوزاد عطا و موهبت الهی است. چون عطیه از قبیله بنی عوف بود به او عطیه عوفی می گفتند. عطیه از تابعین است. زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را ملاقات نکرده اما با اصحاب آن حضرت هم نشین بوده است. او از اصحاب حضرت علی علیه السلام و امامان بعد از ایشان تا امام محمد باقر علیه السلام است. عطیه از دانشمندان بزرگ اسلام شناس عصر خویش، شمرده می شد. چنان که صداقت و مقام علمی اش بدانجا می رسد که دانشمندان اهل سنت، از او، روایت نقل می کنند.

| جایگاه اربعین و عدد ۴۰ |

با اندکی مطالعه، به خوبی می‌توان فهمید واژه «اربعین» در متون دینی و مجموعه‌های حدیثی از ارزش والایی برخوردار است؛

✓ آثار حفظ ۴۰ حدیث؛

✓ اخلاص عمل در ۴۰ روز؛

✓ خواندن دعای عهد در ۴۰ صبح؛

✓ کمال عقل در ۴۰ سالگی؛

✓ دعا برای ۴۰ مؤمن؛

✓ شهادت ۴۰ مؤمن برای میت؛

✓ برگزاری عبادت در ۴۰ شب چهارشنبه برای

دیدار حضرت ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

✓ بعثت اغلب انبیا در ۴۰ سالگی.

اربعین، از اصطلاحات رایجی است که در متون اسلامی کاربرد زیادی دارد، مثلاً در قرآن و برخی از روایات به عنوان نماد کمال، حدی برای تصفیه

باطن و... قلمداد شده است که در این نوشتار به مناسبت روز اربعین شهادت امام حسین (علیه السلام)، برخی از موارد کاربرد این واژه ارزشمند، که در فرهنگ اسلامی به مناسبت‌های گوناگون از آن یاد شده و گاهی پیام‌های اخلاقی و دستورهای الهی با آن همراه شده، را بیان می‌کنیم.

در اینجا به چند نمونه که ارزش، اهمیت و جایگاه این اصطلاح اسلامی و عرفانی را مشخص می‌سازد، اشاره می‌کنیم.

اربعین در قرآن

«اربعین» در چهار آیه قرآن کریم و مرتبط با سه موضوع دیده می‌شود:

۱. در آیه ﴿وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً﴾^۱ از

میقات ۴۰ شبۀ موسی (علیه السلام) خبر می‌دهد؛

۲. در آیه ﴿وَوَاَعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا

بِعَشْرِ فِتْنَةٍ مِّمَّاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً﴾.^۲ میقات ۴۰ شبۀ

موسی (علیه السلام) را به این صورت تفصیل داده است:

مفسران برآنند که آن ۴۰ شب در ۳۰ شب ذی القعدة و دهه اول ذی الحجه بوده است، چنان که روایاتی

۱. بقره، آیه ۵۱.

۲. اعراف، آیه ۱۴۲.

از امام صادق علیه السلام نیز بر این تعیین دلالت دارد؛^۱

۳. در آیه **﴿قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ﴾**.^۲ از

۴۰ سال ممنوعیت ورود بنی اسرائیل به سرزمین مقدس و ۴۰ سال سرگردانی آن‌ها در قطعه‌ای از زمین خبر داده است، این ممنوعیت پس از آن بود که موسی علیه السلام به قومش برای ورود به سرزمین مقدس فرمان داد اما بنی اسرائیل به این دلیل که در آنجا مردمی جبارند، از اطاعت موسی علیه السلام سر باز زدند و گفتند: تا آنان از آنجا بیرون نروند، ما هرگز وارد آن شهر نمی‌شویم. به همین خاطر قرآن کریم در مورد نافرمانی بنی اسرائیل از حضرت موسی علیه السلام و سرپیچی آنان از دستورات الهی و مجازات آن گروه از یهودیان با ۴۰ سال سرگردانی، می‌فرماید: «این سرزمین مقدس تا ۴۰ سال بر آنها ممنوع خواهد بود و آنان همواره در مدت ۴۰ سال در این بیابان سرگردان هستند، پس تو درباره سرنوشت این جمعیت گناهکار ناراحت نباش!»؛

۴. در آیه **﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ**

۱. «آلوسی» بدون استناد به دلیلی، این احتمال را که میقات در ۳۰ روز ذی الحجه و دهه اول محرم بوده نیز نقل کرده است؛ همچنین میقات ۴۰ روز و ۴۰ شبه موسی در تورات آمده است.

۲. مائده، آیه ۲۶.

أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفَصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١﴾

از ۴۰ سالگی انسان یادشده و اینکه خداوند به همه انسان‌ها درباره نیکی به پدر و مادر سفارش کرده است اما فقط نیکوکاران به این سفارش الهی عمل و به پدر و مادر خود نیکی می‌کنند و این نیکی را، تا رسیدن به رشد کامل خود و رسیدن، به ۴۰ سالگی ادامه می‌دهند؛ آن‌گاه در ۴۰ سالگی دعا می‌کنند و از خدا توفیق می‌طلبند تا در برابر نعمت‌هایی که خود، پدر و مادرشان از آن برخوردار بوده‌اند، شکرگزار او باشند.

اربعین در روایات

۱. از قول امام موسی کاظم (علیه السلام) پیرامون ارزش عدالت گستری در تفسیر آیه «يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» که فرمود: «خداوند زمین را با قطرات باران احیا نمی‌کند، بلکه با مردان عدالت گستر زنده می‌گرداند. این عمل، از منافع مادی ۴۰ روز باران، بهتر و پربارتر است.»

جایگاه اربعین و عدد ۴۰ ■ ۳۳

۲. از قول امام صادق علیه السلام، شهادت ۴۰ مؤمن بر جنازه مسلمان.

۳. از قول امام صادق علیه السلام مقدم داشتن دعا برای ۴۰ مؤمن نسبت به دعا برای خود.

۴. از قول امام صادق علیه السلام استجابت دعای دسته جمعی ۴۰ نفره.

۵. از قول امام محمد باقر علیه السلام آمرزش ۴۰ گناه کسی که در تشییع جنازه مسلمان، پیکر او را از چهار طرف حمل کند.

۶. احادیث قدسی از جانب خدای متعال مبنی بر کمال انسان در ۴۰ سالگی.

۷. از قول امام رضا علیه السلام به نقل از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آثار ۴۰ روز اخلاص و جاری شدن چشمه‌های حکمت از قلب به زبان.

۸. از قول امام سجاد علیه السلام که فرمود: نیروی هر یک از شیعیان و یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معادل نیروی ۴۰ مرد خواهد بود.

۹. از قول پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله که فرمودند: ای ابوذر هنگامی که مؤمنی از دنیا می‌رود، زمین تا ۴۰ روز برای فقدان او گریان و عزادار است.

۱۰. پیش‌بینی امام سجاد علیه السلام زندگی ۴۰ ساله برای فرزندق.

۱۱. از قول امام محمد باقر (علیه السلام) بعثت انبیا در ۴۰

سالگی.

۱۲. از قول پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) حفظ ۴۰

حدیث و محشور شدن در قیامت به عنوان فقیه.

۱۳. از قول امام صادق (علیه السلام) باقی ماندن آثار

گناهان تا ۴۰ روز در روح و روان گناهکار.

۱۴. از قول پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در صورت

اصلاح نشدن شخص تا سن ۴۰ سالگی، دیگر روی

سعادت و خوشبختی را نخواهد دید.

۱۵. از قول امام سجاد (علیه السلام) هشدار به ۴۰ ساله ها!

جهت آمادگی برای سفر آخرت.

۱۶. از قول پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نخورن

گوشت تا ۴۰ روز و بد اخلاق شدن در پی آن.

۱۷. از قول امام حسن (علیه السلام) ۴۰ نفر هسته اولیه

داشتم حتماً قیام می کردم.

۱۸. از قول امیرالمؤمنین (علیه السلام) دریغ از ۴۰ یاور

راستین که نداشتم تا قیام کنم!

۱۹. از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) تأکید بر حقوق

همسایه و مشخص کردن ۴۰ خانه از هر طرف به

عنوان همسایه.

۲۰. از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) مهلت تا ۴۰ روز

هر گاه مردی در محیط خانواده خود، عمل ناپسند

و زشتی را مشاهده کند و در مورد آن حساسیت و غیرت دینی از خود نشان ندهد و اعضای خانواده اش را از ارتکاب گناه و معصیت باز ندارد و در صدد اصلاح برنیاید، خداوند متعال پرنده ای سفید را مأمور می کند که ۴۰ صبح بر در خانه وی، پرهایش را بگسترد و هنگام ورود و خروج آن مرد مسامحه کار، بگوید: اصلاح کن! اصلاح کن! غیرت داشته باش! غیرت داشته باش! اگر خانواده اش را اصلاح کرد که چه بهتر وگرنه آن پرنده سفید بال هایش را به چشم های او می کشد و بعد از آن، او وارونه می بیند؛ یعنی خوبی ها را خوب نمی بیند و بدی ها را بد نمی بیند.

۲۱. از قول امام صادق علیه السلام تسبیح حیوانات قورباغه ای از زیر صخره ای از سوی خداوند متعال به سخن آمد و گفت: «ای داوود! آیا از شب زنده داری ات به شگفت آمده ای؟ من ۴۰ سال است که در زیر این صخره زبانم به ذکر الهی مترنم است.»

۲۲. از قول امیرالمؤمنین علیه السلام کرامت نام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم.

در ضمن روایتی طولانی در منقبت حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «روزی یکی از علما یهود به حضور پیامبر آمد و سؤالات متعددی از آن حضرت

پرسید و پاسخ‌های وافیه دریافت کرد و مسلمان شد. سپس الواحی بیرون آورد و در مقابل پیامبر قرار داد و گفت: این از جمله صفحات توراتی است که به حضرت موسی بن عمران (علیه السلام) نازل شده است. من فضائل تو را در آن‌ها می‌خواندم و شک می‌کردم و ۴۰ سال تمام، نام تو را پاک می‌کردم؛ اما قسم به آن خدایی که تو را به حق و راستی مبعوث فرموده است، هرگاه نامت را از تورات پاک کردم، دوباره آن را در آن جا ثبت شده می‌یافتم.»

۲۴. از قول امام صادق (علیه السلام) هشدار به محترکان!

«مدت احتکار جنس‌های مورد نیاز مردم در روزگار فراوانی، ۴۰ روز است و در روزهای سخت فقط سه روز. اگر بازگانی بیش از این انبار کند، لعنت خدا بر او باد.»

۲۵. از قول امیرالمؤمنین (علیه السلام) چله نشینی برای حاجت.

«داوند متعال به حضرت داوود (علیه السلام) وحی کرد: «ای داوود! اگر از بیت المال تغذیه نمی‌کردی و از دست رنج خودت امرار معاش می‌کردی، چقدر بنده خوبی بودی!»

حضرت داوود (علیه السلام) ۴۰ صبح، با ناله و زاری به

جایگاه اربعین و عدد ۴۰ ■ ۳۷

درگاه احدیت استغاثه کرد و از خداوند خواست تا مشکل او را رفع کند. خداوند متعال نیز، مقدمات آهنگری را در اختیار او گذاشت.

۲۶. از قول امام حسن عسکری علیه السلام زیارت اربعین از نشانه‌های ایمان و تشیع.

نشانه‌های مؤمنان «شیعیان» پنج چیز است:

✓ خواندن ۵۱ رکعت نماز، ۱۷ رکعت واجب و ۳۴ رکعت نافله.

✓ زیارت اربعین امام حسین علیه السلام.

✓ داشتن انگشتر در دست راست.

✓ ساییدن پیشانی به خاک.

✓ بلند خواندن بسم الله الرحمن الرحیم در نمازها.

۲۷. ۴۰ روز گریه بر امام حسین علیه السلام.

امام صادق علیه السلام در روایتی به بیان گریه موجودات عالم بر سالار شهیدان پرداخته، به زراره می‌فرماید: «ای زراره! آسمان ۴۰ روز بر حسین علیه السلام خون گریه کرد و زمین ۴۰ روز برای عزای آن حضرت گریست، به تیره و تار شدن؛ و خورشید با کسوف و سرخی خود ۴۰ روز گریست و ملائکه الهی، برای آن حضرت ۴۰ روز گریستند.»

ازیارت پیاده اربعین و ظرفیت‌های آن

۱. تقویت اراده

✓ اربعین و تمرین اقامه نمازهای واجب در اول وقت.

✓ اربعین و تمرین تلاوت قرآن «۵۰ تا ۷۰ آیه در روز»

✓ اربعین و تمرین گفتن اذکار و ختومات.

✓ اربعین و تمرین تفکر، در موضوعات مختلف.

✓ اربعین و تمرین سکوت به موقع.

✓ اربعین و تمرین مشارطه، مراقبه، محاسبه.

✓ اربعین و تمرین دوری از گناهان کبیره متداول

«دروغ، غیبت، تهمت...»

✓ اربعین و تمرین خدمت، به زوار اباعبدالله

الحسین علیه السلام.

✓ اربعین و تمرین ایثار و از خود گذشتگی، نسبت

به زوار اباعبدالله الحسین علیه السلام.

✓ اربعین و تمرین توکل بخدا برای ادامه سفر.

✓ اربعین و تمرین مواظبت در کمیت و کیفیت غذا.

۲. پاک شدن روح از گناهان

✓ یادآوری مصایب امام حسین (علیه السلام) بودن و اشک ریختن، برای ایشان و در نتیجه احساس سبک شدن

✓ شکر گذاری و قدر نعمت پیروی و محبت امام حسین (علیه السلام).

✓ احساس خستگی از پیاده روی و درک ذره ای از سختی پیاده روی با شکنجه، غل و زنجیر اسرای کربلا.

✓ تشنگی، هوای گرم، آب نوشیدن و پی بردن بهتر به تشنگی امام (علیه السلام) و اهل بیت (علیهم السلام) ایشان در واقعه عاشورا.

آداب سفر مؤمن

امام صادق علیه السلام: «لقمان به فرزندش فرمود:

«هرگاه با عده‌ای همسفر شدی:

✓ در کارهای مربوط به خودت و آن‌ها، با ایشان

بسیار مشورت کن؛

✓ و به آنان بسیار تبسم نما؛

✓ در زاد و توشه‌ات نسبت به آنان بخشنده باش؛

✓ اگر تو را دعوت کردند قبول کن؛

✓ و اگر از تو کمک خواستند کمک‌شان کن؛

✓ و در سه چیز از آنان برتر باش: خاموشی، کثرت

نماز و بخشندگی در مرکب یا دارایی و یا

توشه‌ای که همراه داری؛

✓ اگر در امر حقی از تو شهادت خواستند،

شهادت بده؛

✓ و اگر از تو مشورت و نظر خواستند، با تمام

توان، اندیشه‌ات را برای آنان به کار گیر ...»

- ✓ اگر همسفرانت راه افتادند، تو نیز با آنان راه بیفت؛
- ✓ و اگر دیدی کار می کنند، تو نیز با آنان مشغول کار شو؛
- ✓ اگر صدقه یا قرضی دادند، تو نیز با آنان همراهی کن؛
- ✓ و از کسی که سنش از تو بیشتر است، حرف شنوی داشته باش ...؛
- ✓ هر گاه اتراق کردی، پیش از آن که بنشیند دو رکعت نماز بگزار ...؛
- ✓ و هر گاه کوچ کردی نیز دو رکعت نماز بخوان؛
- ✓ و آن گاه با سرزمینی که در آن فرود آمده ای خدا حافظی کن؛
- ✓ و بر آن و مردمش درود فرست؛ زیرا هر سرزمینی را ساکنانی از فرشتگان است.»^۱

آداب قبل از سفر

- ✓ تسویه حساب ها در صورت امکان؛
- ✓ بروز کردن وصیت نامه؛
- ✓ اعلام سفر به جهت گرفتن حلالیت؛
- ✓ تهیه وسائل ضروری و مورد نیاز؛

۱. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج ۵، ص ۲۴۸۷.

- ✓ تهیه لباس و کفش مناسب^۱؛
- ✓ لباس مورد نیاز با توجه به مدت سفر؛
- ✓ انتخاب همسفر همراه و هم شأن؛
- ✓ تربت و تسبیح (ذکر شمار) برای نماز؛
- ✓ به همراه داشتن قرآن یا داشتن برنامه هوشمند آن جهت خواندن قرآن روزانه؛
- ✓ قبله نما؛
- ✓ کتاب کوچک یا داشتن برنامه هوشمند برای معرفی اماکن و زیارتنامه‌ها. (سه مورد فوق امروزه با داشتن موبایل هوشمند مورد نیاز نیست)؛
- ✓ به همراه داشتن و یا در دست کردن انگشتر عقیق خصوصاً عقیق زرد و فیروزه؛
- ✓ همراه داشتن وسائل شخصی: مسواک، ناخن‌گیر، نخ و سوزن، صابون و شامپو^۲؛
- ✓ به همراه داشتن یک وسیله دفاعی؛
- ✓ داشتن غذای مناسب حداقلی برای یک وعده؛
- ✓ محاسبه و در نظر گرفتن مکان‌های استراحت تا رسیدن به هدف.

۱. مخصوصاً سفری همچون پیاده‌روی اربعین که لباس و کفش سهم بیشتری را دارا می‌باشد.

۲. مخصوصاً سفری همچون پیاده‌روی اربعین که می‌تواند به جز نیاز خود، نیاز همسفران را هم در صورت احتیاج برطرف نماید.

آداب ساعاتی قبل از سفر

- ✓ طبق روایت مستحب است مسافر غسل نماید
- دو رکعت نماز به جا آورده خیر خود و خانواده اش را طلب کند و پس از آن آیه الکرسی را قرائت نماید؛
- ✓ و هم چنین مستحب است خویشاوندان و دوستان، مسافر را بدرقه و در حقش دعای خیر نماید؛
- ✓ در ساعات آمادگی کامل جسمی و روحی و پس از استراحت کافی حرکت را آغاز کند مخصوصاً اگر خود راننده است.

آداب شروع سفر

- ✓ با نام خدا آغاز کردن (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)؛
- ✓ هنگام سوار شدن بر وسیله بسم الله گفتن، پس از آن ۷ مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» گفتن و بعد ۷ مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» گفتن و در نهایت ۷ مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» گفتن در روایت وارد شده است؛
- ✓ زمان رد شدن از مکان های خاص که خطر بیشتری دارد ذکر بسم الله گفتن؛
- ✓ به هنگام خروج از خانه در سفر و غیر سفر گفتن ذکر «بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ مَا

شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله؛ بنام خدا، ایمان
آوردم به خدا و کل کردم بر خدا، آنچه خدا
بخواهد "می شود" نیست حرکت و نیرویی جز با
قدرت خدا»؛

✓ توکل نمودن بر خدا «تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ»؛

✓ صدقه دادن؛

✓ صدقه مقدار خاصی نداشته و بستگی به توان
مالی شخص دارد؛

✓ صدقه مخصوص سفر باشد نه صدقه ای که
روزانه پرداخت می شود؛

✓ صدقه تنها دادن پول نیست بلکه پرداخت
پول ترجیح دارد؛

✓ دادن لباس، غذا و ... حتی عیادت بیمار قبل از
سفر می تواند مصداق صدقه باشد؛

✓ با یاد خدا حرکت کند؛

✓ از زیر قرآن رد شدن و آن را بوسیدن وجه شرعی
ندارد و لکن امر عرفی، پسندیده و بلا اشکال
است؛

✓ با بدرقه کنندگان دست دادن، معانقه کردن و
یا مصافحه نمودن با توجه به فرهنگ
منطقه ای برای کسب محبت و حلاوت امر
پسندیده ایست؛

- ✓ ریختن آب پشت سر مسافر از سنت‌های غلط رایج می‌باشد و از مصادیق اسراف است الا اینکه آب را پای درخت یا گیاهی بریزند؛
- ✓ بیمه کردن معنوی سفر؛
- ✓ به توصیه برخی از بزرگان «خواندن صلوات، سوره قدر، صلوات» سفر را بیمه می‌کند؛
- ✓ با خنده و خوش خلقی خداحافظی کردن با بدرقه کنندگان؛
- ✓ انتخاب مسوؤل سفر حتی اگر سفر دو نفره باشد؛^۱
- ✓ هزینه سفر را وسط گذاشتن مخصوصاً در سفرهای گروهی؛
- ✓ در سفرهای گروهی، با هم مشورت کردن، و در کارها همکاری نمودن؛
- ✓ در بین همسفری‌ها برای خود امتیاز قائل نشدن و در صورت خواسته‌ای جواب مثبت دادن؛
- ✓ تلاوت یا شنیدن آیات قرآن با کمک هندزفری در فرصت‌های به دست آمده؛
- ✓ خواندن اذکار توصیه شده به جهت تفکر و تقرب بیشتر به خالق یکتا و استفاده هر بیشتر

۱. سفر یک نفره در اسلام مذموم است جز در ضرورت.

از فرصت‌های به دست آمده؛

✓ طی مراحل چهارگانه اخلاقی:

۱. خلوت نمودن با خود؛

۲. عیوب خود را بیاد آوردن؛

۳. اراده برای ازبین بردن آن عیوب؛

۴. عمل نمودن به نتیجه به دست آمده.

از یارت با پای پیاده^۱

با نگاهی موشکافانه به روایات درباره زیارت، به چند نکته دست می‌یابیم:

نخست اینکه سفر زیارتی با پای پیاده در کنار سفر زیارتی همراه با مرکب و وسیله نقلیه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و اهل بیت علیهم‌السلام بر آن مهر تایید زده‌اند؛

و دوم اینکه زیارت رفتن با پای پیاده حتی برای کسی که می‌تواند سواره به زیارت برود، فضیلت بیشتری دارد مگر اینکه به خاطر ضعف جسمانی از پیاده رفتن برای زیارت، منع شده باشد.

ما در اینجا به برخی از روایات که بیانگر مطلوب بودن زیارت با پای پیاده و نیز برتر بودن آن بر زیارت رفتن در حال سواره است، اشاره می‌کنیم.

۱. ر.ک: هشتاد هزار متر عشق نوشته مهدی نیلی‌پور.

۱. پاداش زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام با پای پیاده

از بعضی از اصحاب روایت شده که راوی می‌گوید در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم، نام امیرالمؤمنین علیه السلام به میان آمد، ابن مارد به حضرت عرض کرد کسی که جد تو را زیارت کند چه پاداشی دارد؟ فرمود: ای پسر مارد هر کسی جد مرا زیارت کند و عارف به حقش باشد خداوند به هر قدمی که می‌رود برای او ثواب یک حج و یک عمره مقبول می‌نویسد، به خدا سوگند ای پسر مارد طعمه آتش جهنم نمی‌شود قدمی که در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام غبارآلود شود، پیاده باشد یا سواره؛ ای پسر مارد این حدیث را با آب طلا بنویس.^۱

۲. پاداش دو چندان بازگشت از زیارت با پای پیاده

امام صادق علیه السلام بشارت دادند: هر که پیاده به زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام برود، حق تعالی به عدد هر گامی که برمی‌دارد حجتی و عمره‌ای در نامه عملش بنویسد و اگر پیاده نیز برگردد به عدد هر گامی دو حج و دو عمره در نامه عملش بنویسد.^۲

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۷۷.

۲. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۱.

۳. پاداش زیارت سیدالشهدا علیه السلام با پای پیاده

حسین بن علی بن ثویر بن ابی فاخته، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که به من فرمود: ای حسین! هر کس به قصد زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام از خانه اش بیرون آید، اگر پیاده باشد خداوند به ازای هر گامی که بر می دارد حسنه ای برایش ثبت و گناهی از او پاک می کند و تا زمانی که به حائر حسینی برسد خداوند او را از رستگاران و حاجت رواشدگان منظور می فرماید و چون اعمالش را تمام کند، خداوند او را از افراد ظفرمند و پیروز ثبت می کند، و هنگامی که می خواهد (به شهر و دیار خود) بازگردد، فرشته ای به نزد او آمده و به او می گوید من فرستاده خدا هستم، خدایت به تو سلام می رساند و می فرماید که عملت را از نو آغاز کن که خداوند گناهان گذشته تو را بخشید.^۱

۴. پاداش رفتن به زیارت کربلا با پای پیاده

جابر مکفوف، به نقل از ابی الصامت می گوید: از حضرت ابی عبدالله (امام صادق علیه السلام) شنیدم که می فرمودند:

«کسی که پیاده به قبر امام حسین علیه السلام برود

۱. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۴۴.

خداوند متعال به هر قدمی که بر می دارد هزار حسنه برایش ثبت و هزار گناه از وی محو می فرماید و هزار درجه مرتبه اش را افزایش می دهد، سپس فرمودند: وقتی به فرات وارد شدی ابتدا غسل کن و کفش هایت را درآور و پای برهنه و مانند بنده ذلیل راه برو و وقتی به درب حائر (حرم) رسیدی چهار مرتبه تکبیر بگو، سپس اندکی حرکت کن، سپس چهار بار تکبیر گفته، بعد به طرف بالای سر حضرت برو و در آنجا بایست و سپس چهار مرتبه تکبیر بگو و کنار قبر نماز بخوان و از خداوند متعال حاجت خود را بخواه.»^۱

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «کسی که به قصد زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) (از خانه خود) بیرون می آید، به ازای هر گامی که برمی دارد، به تدریج از گناهانش آمرزیده می شود و قدم به قدم پاکتر می گردد تا به قبر مطهر برسد، و در آن هنگام خداوند به او خطاب می کند که: ای بنده من! از من بخواه تا خواسته ات را برآورم، مرا بخوان تا تو را اجابت کنم، مرا بخوان تا تو را حاجت روا کنم، هر چه می خواهی بخواه تا تو را عنایت کنم.» راوی می گوید که امام صادق (علیه السلام) در دنباله گفتارش

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۴۱.

فرمود: «بر خداوند است که آنچه را که وعده کرده است انجام دهد.»

۵. پشیمانی از ترک حج با پای پیاده

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که ابن عباس گفت: در زندگی از چیزی پشیمان نشدم مگر آنکه پشیمانم بر اینکه چرا حجی با پای پیاده انجام ندادم، زیرا از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می فرمود: هر که پیاده حج گذارد، خداوند برای او هفت هزار عمل نیک از حسنات حرم می نویسد؛ گفته شد ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم منظور از حسنات حرم چیست؟ فرمود: هزار هزار حسنه و فرمود فضیلت پیاده حج گزاردن مانند فضیلت ماه شب چهارده بر سایر ستارگان است.^۱

۶. یک حج پیاده برتر از هفتاد حج

روایت شده است که هیچ بنده ای به هیچ وسیله ای محبوبتر نزد خدا، از راه پیمودن با پای پیاده به خانه محترمش، به او تقرب نجسته است و یک حج با پای پیاده با هفتاد حج برابر است، و کسی که از شتر خود به زیر آید، و قدری پیاده راه

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۸۱.

بپیماید، خداوند ثوابی ما بین ثواب حج پیاده و سواره را در نامه عملش بنویسد، همچنین وقتی (بند) کفش حاجی که با پای پیاده به حج می‌رود از سختی و شدت پیاده‌روی پاره شود، خداوند ثوابی، بین ثواب حج گذاردن با پای برهنه و با پای پیاده (و با کفش) برایش منظور می‌دارد.^۱

از این روایت چند نکته فهمیده می‌شود:

✓ اینکه اگر حاجی در هنگام حرکت به سوی حج، از مرکبش فرود آید و چند قدمی پیاده مسیر را طی کند، ثوابی ما بین ثواب حج پیاده و سواره برایش می‌نویسند؛

✓ اینکه زیارت رفتن با پای برهنه بر زیارت رفتن با پای پیاده و با کفش برتری دارد و اگر زائری کفش‌هایش را درآورد و چند قدمی با پای برهنه برود، ثوابی ما بین ثواب حج با پای برهنه و با کفش برایش می‌نویسند.

۷. معانقه فرشتگان با حاجیان پیاده

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به حاجیان خانه خدا بشارت دادند: همانا ملائکه الهی بر راه مکه می‌ایستند و چون با حاجیان ملاقات کنند سواره بر محمل‌ها

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۸۰.

سلام می‌دهند و با اهل کاروان‌های سواره که
سایبان ندارند، دست می‌دهند و کسانی که پیاده
آمده‌اند را در آغوش می‌گیرند.^۱

۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۸،

آداب زیارت

تشریف به دیدار امام معصوم علیه السلام چه در حال حیات آنان و چه پس از شهادت و هنگام زیارت قبور ائمه علیهم السلام آدابی دارد که آن را از دیدارهای معمولی جدا می‌کند. رعایت طهارت، ادب، متانت، توجه، حضور قلب از جمله این آداب است.

خلاصه آداب زیارت عبارت است از:

- ✓ غسل کردن و با طهارت وارد حرم شدن؛
- ✓ اذن دخول طلبیدن و با خشوع وارد شدن؛
- ✓ رو به ضریح و پشت به قبله ایستادن و خواندن زیارت‌های وارده؛
- ✓ خواندن دو رکعت نماز پس از زیارت؛
- ✓ دعا کردن و طلب حاجت پس از نماز؛
- ✓ خواندن قرآن و هدیه کردن ثواب آن به امام؛
- ✓ حضور قلب داشتن و استغفار کردن از گناه؛
- ✓ احسان و احترام به خادمان حرم؛

- ✓ خواندن دعای وداع در آخرین زیارت؛
- ✓ تلاش بهتر شدن نسبت به قبل از زیارت؛
- ✓ زود خارج شدن از حرم پس از زیارت؛
- ✓ پشت نکردن به ضریح هنگام خروج؛
- ✓ صدقه دادن به نیازمندان؛
- ✓ احسان به نیازمندان از سادات آن شهر؛
- ✓ پوشیدن لباس پاک و تمیز که بهتر است سفید باشد؛
- ✓ عطر زدن و خوشبو بودن؛
- ✓ با آرامش و وقار حرکت کردن و گام‌ها را کوتاه برداشتن؛
- ✓ مشغول بودن به ذکر، در حال رفتن به زیارت، به خصوص ذکر «الله اکبر» و «الحمد لله»؛
- ✓ وارد شدن به حرم با پای راست؛
- ✓ تکبیر گفتن پیش از زیارت، هنگام دیدن قبر مطهر؛
- ✓ پرهیز از امور دنیایی و سخنان لغو و بیهوده؛
- ✓ پس از بازگشت به خانه، دوباره به حرم و زیارت رفتن.

آداب زیارت قبر سیدالشهدا (علیه السلام)

- ✓ عطر نزدن و سرمه نکشیدن؛

- ✓ حرکت به سوی حرم با آرامش و متانت؛
- ✓ دیده از محرمات پوشاندن؛
- ✓ پرهیز از خصومت و نزاع و سوگند زیاد؛
- ✓ کم سخن گفتن جز به خیر؛
- ✓ پرهیز از شوخی و مزاح؛
- ✓ مصاحبت نیکو با همسفران؛
- ✓ زیاد ذکر خدای گفتن؛
- ✓ پا برهنه همچون بندگان حرکت نمودن.

افرازی از زیارت اربعین^۱

صفوان بن مهران جمال می گوید: مولایم
حضرت صادق علیه السلام زیارت اربعین را به من آموخت و
فرمود: «در روز اربعین جدم حسین علیه السلام را این
چنین زیارت کن: «السَّلَامُ عَلَيَّ وَلِيِّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ...».

در بخشی از آن زیارت که با مضامین عالی
عرفانی و معنوی بیان شده است، چنین
می خوانیم: «وَبَدَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ
الْجَهَالَةِ، وَخَيْرَةِ الضَّلَالَةِ؛ خداوندا! من شهادت
می دهم که حضرت حسین علیه السلام جان را در راه تو
تقدیم کرد تا بندگان تو را از جهالت و بی خبری رها
سازد و از حیرت و سرگردانی و گمراهی نجات دهد.»

ذکر ۴۰ شایستگی سیدالشهدا علیه السلام در زیارت اربعین^۱

در زیارتنامه اربعین، چهل صفت برجسته از

۱. ر.ک: چهل جام معرفت از زیارت اربعین نوشته مهدی نیلی پور.

صفات سیدالشهدا (علیه السلام) ذکر شده است تا زائر با شناخت بیشتری نسبت به صفات والای آن حضرت به زیارت مشرف شود. این صفات که یا در قالب عرض سلام و یا شهادت دادن است، عبارت‌اند از:

- ✓ ولی خدا «وَلِیِّ اللَّهِ»؛
- ✓ دوستدار خدا «حَبِیبِهِ»؛
- ✓ دوست خدا «خَلِیلِ اللَّهِ»؛
- ✓ ارزشمند نزد خدا «نَجِیبِهِ»؛
- ✓ برگزیده خدا «صَنِیِّ اللَّهِ»؛
- ✓ فرزند برگزیده خدا «ابْنِ صَفِیِّهِ»؛
- ✓ مورد ستم واقع شده «الْمُظْلُوم»؛
- ✓ محصور در سختی‌ها «أَسِیرِ الْکُرْبَاتِ»؛
- ✓ کشته اشک‌ها «قَتِیلِ الْعَبْرَاتِ»؛
- ✓ رستگار شده به کرامات الهی «الْفَائِزُ بِکَرَامَتِكَ»؛
- ✓ گرمی داشته شده به وسیله شهادت «أَكْرَمَتْهُ بِالشَّهَادَةِ»؛
- ✓ صاحب سعادت «حَبَوْتُهُ بِالسَّعَادَةِ»؛
- ✓ دارای ولادت پاک «اجْتَبَیْتُهُ بِطِیبِ الْوِلَادَةِ»؛
- ✓ دارای مقام سیادت «جَعَلْتُهُ سَیِّدًا مِنَ السَّادَةِ»؛
- ✓ امیر و فرمانده «قَائِدًا»؛
- ✓ شریف و بزرگوار «ذَائِدًا»؛
- ✓ وارث پیامبران «أَعْطِیْتُهُ مَوَارِثَ الْأَنْبِیَاءِ»؛

- ✓ حجت خدا بر مردم «حُجَّةٌ عَلَى خَلْقِكَ»؛
- ✓ مبارز در راه «جَاهِدْهُمْ»؛
- ✓ مقام خستگی ناپذیر «صَابِرًا»؛
- ✓ معامله گر با خدا «مُحْتَسِبًا»؛
- ✓ امانت دار خدا «أَمِينُ اللَّهِ»؛
- ✓ صاحب زندگی سعادت‌مندان «عِشْتَ سَعِيدًا»؛
- ✓ عبور تحسین برانگیز از دنیا «مَضَيْتَ حَمِيدًا»؛
- ✓ شهادت مظلومانه «مُتَّ فَقِيدًا ، مَظْلُومًا شَهِيدًا»؛
- ✓ وفاکننده به عهد الهی «أَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ»؛
- ✓ دارای پدرانی پاک «كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ»؛
- ✓ دارای مادرانی پاک «الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ»؛
- ✓ پاکیزه از آلودگی‌های شرک «لَمْ تُجَسِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا»؛
- ✓ ستون دین «مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ»؛
- ✓ حامی مسلمین «أَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ»؛
- ✓ پناهگاه مؤمنین «مَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ»؛
- ✓ نیکوکار «الْبَرُّ»؛
- ✓ باتقوا «التَّقِيُّ»؛
- ✓ راضی به رضای خدا «الرَّضَى»؛
- ✓ پاک سرشت «الزَّكِيُّ»؛

- ✓ هدایت گر «الهادی»؛
- ✓ هدایت یافته «المهدی»؛
- ✓ پدر امامان نه گانه «أَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَدِّكَ»؛
- ✓ مشمول درود الهی «وَاللَّهُ وَاسِعٌ وَوَاسِعَةٌ وَاتُّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ».

سلام‌های هفت گانه زیارت اربعین^۱

در زیارت اربعین در هفت مرحله بر امام حسین (علیه السلام) سلام داده می‌شود؛ تکرار این سلام‌ها به نشانه آغاز آشنایی و آشتی و ارتباط و درخواست ارتباط دائمی و شوق حضور همیشگی در محضر سیدالشهدا (علیه السلام) است؛ هریک از این سلام‌ها موجب برقراری ارتباط متقابل می‌شود و معنای خاص دارد.

✓ گاهی سلام به معنای درخواست ارتباط و توجه است؛

✓ گاهی سلام به معنای ابراز محبت و ارادت است؛

✓ گاهی سلام به معنای گشودن بابی برای آشنایی بیشتر با امام حسین (علیه السلام) است؛

✓ گاهی سلام به معنای درخواست پاسخی مشفقانه است؛

۱. رک: چهل جام معرفت از زیارت اربعین نوشته مهدی نیلی‌پور.

- ✓ گاهی سلام نشانه بیعت مجدد با ولی خداست؛
 - ✓ گاهی سلام و تکرار آن به احساس حضور از نزدیک و ابراز علاقه وافر به مولاست؛
 - ✓ و گاهی یک سلام حاوی همه این معانی است؛
- سلام‌های هفتگانه زیارت اربعین عبارت‌اند از:

- «السَّلَامُ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ»؛
- «السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ وَنَجِيِّهِ»؛
- «السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيِّهِ»؛
- «السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ»؛
- «السَّلَامُ عَلَى أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَقَتِيلِ الْعَبْرَاتِ»؛
- «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ»؛
- «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ».

شهادت نه گانه در زیارت اربعین^۱

در زیارت اربعین ۹ عبارت پر محتوا با کلید واژه «أَشْهَدُ» وجود دارد که نشان از معرفت والای زائر نسبت به امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در حد معرفت شهودی دارد؛ زیرا شهادت در لغت عبارت است از معرفت و علم همراه با مشاهده یا با چشم سر (بصر) و یا با چشم دل (بصیرت).^۲

۱. ر.ک: چهل جام معرفت از زیارت اربعین نوشته مهدی نیلی‌پور.

۲. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۴۶۵.

بر این اساس شهادت زائر به مقامات سیدالشهدا (علیه السلام) به معنای معرفتی حسی در برابر معرفت حدسی است به گونه‌ای که گویا زائر همه معانی زیارت نامه اربعین را دیده و به صورت عمیق و عارفانه آن را درک کرده است. این شهادت عبارتند از:

✓ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ...»؛

✓ «أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ ، عِشْتَ سَعِيداً...»؛

✓ «وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ...»؛

✓ «وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ...»؛

✓ «أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي الْأَصْلَابِ الشَّاحِخَةِ...»؛

✓ «وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ...»؛

✓ «وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ...»؛

✓ «وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِكَ...»؛

✓ «وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ ، وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ ...»

مهدویت در زیارت اربعین^۱

اعتقاد به ظهور منجی از جمله اصولی‌ترین و محکم‌ترین باورهای شیعیان و بلکه همه مسلمانان و دیگر مکاتب آسمانی و بشری است. اعتقاد به مهدویت و منجی گرایی در شیعه ریشه

۱. ر.ک: چهل جام معرفت از زیارت اربعین نوشته مهدی نیلی‌پور.

فرازی از زیارت اربعین ■ ۶۷

در مثبت اندیشی تاریخی دارد و بر مبنای اصولی
مانند:

﴿إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾، ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ و
﴿الْيَسَّ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ﴾ و سنت الهی پیروزی دین
محمد ﷺ بر همه ادیان و مذاهب استوار است. از
آن جا که میان قیام حسینی و قیام مهدوی
پیوندهای فراوانی وجود دارد، در همه دعاها و
زیارت‌های مربوط به سیدالشهدا علیه السلام، به شکلی
مبحث مهدویت نیز یاد شده، به عنوان نمونه:

در زیارت عاشورا می‌خوانیم: «أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ
ثَارِكَ...»؛

در دعای ندبه آمده است: «أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ
الْمُقْتُولِ بِكَزْبَاءٍ»؛

اما در زیارت اربعین از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف با چند
تعبیر یاد شده است.

✓ مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف از نسل حسین علیه السلام: «وَأَشْهَدُ أَنَّ
الْأَمَّةَ مِنْ وَلَدِكَ»؛

✓ آمادگی برای یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف: «وَنُصْرَتِي
لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ»؛

✓ اشاره به امام غائب عجل الله تعالی فرجه الشريف: «وَاللَّهُ وَكَأَنَّ وَاتَّ اللَّهُ
عَلَيْكُمْ، وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ، وَشَاهِدِكُمْ
وَعَائِيكُمْ، وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ».

فریاد یا حسین علیه السلام^۱

یکی از وظائف امروزی ما، شناساندن امام حسین علیه السلام به جهانیان و با استفاده از ظرفیت های اربعین به منظور سرعت بخشیدن در امر فرج است؛

در روایات آمده است؛ «وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

ظهور می فرماید: پنج ندا خطاب به اهل عالم دارد؛

- ✓ **أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ! أَنَا الْإِمَامُ الْقَائِمُ؛**
- ✓ **أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ! أَنَا الصَّمَامُ الْمُنْتَقِمُ؛**
- ✓ **أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ! إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ علیه السلام قَتَلُوهُ عَطْشَانًا؛**
- ✓ **أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ! إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ علیه السلام طَرَحُوهُ عَرِيَانًا؛**
- ✓ **أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ! إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ علیه السلام سَحَقُوهُ**
عِدْوَانًا.»

آیت الله بهجت رحمته الله تعالی درباره نقش پیاده روی در

زیارت اربعین می فرمایند: «امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خودش

را به واسطه امام حسین علیه السلام به همه عالم معرفی

می کند؛ بنا بر این در آن زمان باید همه مردم عالم،

حسین علیه السلام را شناخته باشند؛ اما الان هنوز همه

مردم عالم، حسین علیه السلام را نمی شناسند و این تقصیر

ماست؛ چون ما برای سیدالشهدا علیه السلام طوری فریاد

نزدیم که همه عالم صدای ما را بشنود. پیاده روی

۱. رک: چهل جام معرفت از زیارت اربعین نوشته مهدی نیلی پور.

فرازی از زیارت اربعین ■ ۶۹

اربعین بهترین فرصت برای معرفی حسین علیه السلام به
عالم است.»

۱ | سفرنامه کربلا (زیارت اربعین)

روز شنبه ساعت ۹ صبح از کنار مرقد نورانی شهید سید محمد باقر حکیم، نجف اشرف را با پای پیاده به قصد زیارت کربلای معلی ترک کردیم. هرچند پیمودن مسیر نجف تا کربلا^۲ با پای پیاده در آغاز، کاری آسان به نظر نمی‌رسید، اما مشاهده سیل زائرانی که با پای پیاده به سوی کربلا در حرکتند تا خود را برای اربعین سیدالشهدا (علیه السلام) به حرم حسینی برسانند، آن قدر دوست داشتنی و شورانگیز است که همه دودلی‌ها و سستی‌ها را از انسان می‌زداید و تا مقصد، کسی در این راه احساس خستگی به خود راه نمی‌دهد. زائران بارگاه حسینی، اعم از زن و مرد و پیر و جوان و عرب و

۱. ر.ک: هشتاد هزار متر عشق نوشته مهدی نیلی‌پور.

۲. بر اساس گزارش خبرگزاری فارس مسیر نجف تا کربلا تقریباً ۸۰ کیلومتر است.

عجم از بیش از ۲۰ کشور جهان و حتی نوزادانی که بر کالسکه سوارند و یا معلولینی که روی صندلی چرخ دار نشسته‌اند، جهانی بودن و الهی بودن عشق امام حسین (علیه السلام) را به تصویر کشیده بودند. حضور میلیونی انسان‌هایی با تنوع بسیار از نظر سن، مذهب، اقلیم، ملیت و جنسیت در این بزرگترین راه پیمایی بشری که همگان را زیر یک پرچم عشق گردآورده، مثال زدنی است. اینجا تنها یک شعار و یک هدف و یک مسیر دیده می‌شود و آن هم «حسین» و «کربلا» و «وصال» و این‌ها همه یعنی زیارت. از آغاز پیاده‌روی در کنار جمعی از دوستان دانشجو و نیز طلاب هیئت فاطمیون قم توفیق مصاحبت با چنین همراهانی در زیبایی و شور این سفر افزوده بود. مسیر نجف تا کربلا، طی دو مرحله با تابلوهایی شماره‌گذاری شده است.^۱

مرحله نخست از کنار قبر شهید حکیم تا خروجی نجف است که با ۱۶۵ تابلو (عمود یا تیر

۱. علت این دو مرحله شماره‌گذاری هم این است که برخی، مسیر راه پیمایی را از کنار حرم علوی (علیه السلام) و وادی السلام به سوی کربلا آغاز می‌کنند و شماره‌گذاری دوم از سه راهی خارج نجف (ابتدای جاده نجف کربلا) آغاز می‌شود که تا عدد ۱۴۵۲ حرم حضرت ابوالفضل (علیه السلام) پایان می‌پذیرد. لازم به ذکر است این نکات مربوط به طریق اصلی یعنی طریق الحسین (علیه السلام) است و طریق‌های دیگر مثل طریق شط، طریق سبایا و... هم پذیرای زائران هستند.

سفرنامه کربلا (زیارت اربعین) ■ ۷۳

برق) شماره‌گذاری شده که فاصله هر دو تابلو با یکدیگر ۵۰ متر می‌باشد و در جمع، فاصله بین مرقد شهید حکیم تا خروجی نجف، در حد هشت کیلومتر (۸۲۵۰ متر) می‌باشد.

مرحله دوم از خروجی نجف تا حرم حضرت ابوالفضل (ع) امتداد می‌یابد دارای ۱۴۵۲ عمود (تیر برق) است؛ یعنی فاصله‌ای در حدود ۷۲ کیلومتر (۷۲۶۰۰ متر) هر زائر از همان گام نخست با چند پدیده شگفت‌انگیز در این مسیر مواجه می‌شود:

۱. **موکب‌ها:**^۱ یعنی محل‌های استراحت و پذیرایی مردمی از زائران که همچون رشته‌ای از مروارید کنار هم صف بسته‌اند؛ این موکب‌ها و موکب‌داران مانند حلقه‌های زنجیر نجف را به کربلا متصل می‌کنند و با وجود آن‌ها هر زائر در کمال آرامش و آسایش است و گویا در شهر بزرگی با همه امکانات زندگی قرار دارد و به راحتی به حرکت خود ادامه می‌دهد. موکب‌های میان نجف تا کربلا در اداره اوقاف کشور عراق، با کد و شناسنامه رسمی به ثبت رسیده‌اند و هر موکبی موظف است شناسنامه خود را در محل موکب نصب کند. این موکب‌ها را

۱ موکب در زبان عربی و اصطلاح مردم عراق، به معنای هیئت و یا مکانی برای پذیرایی از زائران و استراحت آن‌هاست.

اهالی شهرهای مختلف عراق و قبائل گوناگون با سازه‌هایی موقت و یا بناهایی دائمی در این مسیر احداث نموده‌اند که رفته رفته بسیاری از آن‌ها به زائر سراهایی مجهز تبدیل گشته‌اند و پیش‌بینی می‌شود تا چند سال آینده، سرتاسر مسیر نجف تا کربلا چنین موکب‌هایی ساخته شود این موکب‌ها معمولاً از سوی هیئت‌های مذهبی در این مسیر ساخته می‌شوند. ولی علاوه بر قبائل و هیئت‌های مذهبی، برخی از مراجع عظام تقلید، برخی حزب‌ها و جمعیت‌های سیاسی اجتماعی عراق و حتی برخی از اهالی ایران هیئات و مجموعه‌های مردمی در این مسیر موکب‌هایی را دائر نموده‌اند تا کارپذیرایی از زائران حرم حسینی (علیه السلام) به بهترین شکل ممکن صورت پذیرد. اسامی زیبای این موکب‌ها مرا بر آن داشت تا به ثبت اسامی برخی از آن‌ها مبادرت کنم. اسامی‌ای که گاهی نام اصحاب و یاران گاهی مشاهد مشرفه گاهی نام شهدای کربلا شهدای قیام‌های شیعه و... می‌باشد. خادمان این موکب‌ها، علاوه بر فراهم آوردن همه امکانات لازم برای زائران و کاروان‌های زیارتی در فضای داخلی موکب‌ها فضای فرهنگی برای برگزاری جلسات مذهبی، نمازخانه، مکان استراحت و... در فضای بیرونی موکب نیز با

قراردادن صندلی، از زائران به صورت موقتی پذیرایی می‌کنند؛ همچنین در مقابل هر موکب در طول روز مداحی‌های رثایی و حماسی به زبان عربی و گاهی نیز فارسی، پخش می‌شود که این کار حس زیارت و شوق وصال در زائران را دوچندان می‌کند.

۲. تنوع خدمات و عشق به خدمتگزاری و خادمانی با صفا از زنان و مردان و نیز کودکان و نوجوانان و جوانان، دومین نکته است که در این مسیر نظر هر بیننده‌ای را جلب می‌کند. خدماتی کامل و منظم و به موقع به گونه‌ای که هر زائر احساس می‌کند در مسیرهای منتهی به کربلا، یک زندگی شهری در کمال آرامش جریان دارد و دغدغه زائر که به عنوان یک شهروند در این شهر بزرگ قدم بر می‌دارد تنها یک مسأله است و آن هم رسیدن به سرزمین کربلا. آری! در این مسیر همه خادمان سیدالشهدا علیه السلام و عوامل دیگر دست به دست هم داده و کمر به خدمت بسته‌اند تا زائرین، جز به مقصد، به چیز دیگری نیاندیشند. فهرست برخی از خدمات و امکانات برای رفاه حال زائرین عبارتند از:

✓ تدارک صبحانه، ناهار و شام با تنوع فراوان و به مقدار کافی از ساعات اولیه بامداد تا آخر شب بدون وقفه؛

- ✓ ارائه انواع داروهای مورد نیاز در چادرهای
مخصوص هلال احمر ایران و عراق؛
- ✓ هدیه چفیه، لباس و وسائل شخصی متناسب
با وضعیت آب و هوایی؛
- ✓ وجود ماشین رخت شویی و اتوی بخار بزرگ
کنار بعضی موکب‌ها برای خشک شویی و اتو
کشی لباس زائرین؛
- ✓ ارائه خدمات اینترنتی رایگان؛
- ✓ اهدای عصا برای زنان و مردان کهنسال؛
- ✓ اهدای دستمال کاغذی؛
- ✓ جایگاه تلفن رایگان؛
- ✓ اهدای عطر و گلاب؛
- ✓ اهدای پوشک بچه برای زائرینی که به همراه
نوزادان خود گام در این سفر گذاشته بودند؛
- ✓ وجود مکان‌هایی برای تعمیر کالسکه بچه و
ویلچرهایی که احیاناً در طول این مسیر دچار
نقص می‌شود؛
- ✓ ارائه خدمات ماساژوری چه ماساژ دستی، چه
برقی و چه ماساژ همراه با آب گرم؛^۱

۱. نکته جالب توجه اینکه هر چه فاصله تا کربلا کاهش می‌یابد به علت بروز خستگی بیشتر در زائران تعداد مکان‌های ماساژ در کنار موکب‌ها افزایش می‌یابد، به طوری که در آستانه ورود به کربلا در کنار هر موکبی خادمان مشغول ماساژ دادن زائرین هستند.

✓ اهدای دمپایی به زائرانی که دوری مسافت
سبب از بین رفتن دمپایی آن‌ها شده است؛
✓ برافروختن آتش از غروب آفتاب تا پیش از ظهر
روز بعد برای گرم شدن زائران (در فصل
زمستان)؛

✓ پذیرایی مستمر از زائرین با چای، قهوه و ...؛
✓ در دسترس بودن طبق‌های بزرگ خرما برای
استفاده و انرژی بخشیدن به زائرین؛
✓ چیدن صندلی و وسائل استراحت در بیرون
موکب‌ها به اندازه نیاز.

۳. مسأله دیگری که اعجاب هر زائری را در این
مسیر برمی‌انگیزد، تنوع زیاد و ترکیب جمعیت
بسیار زائران است. زائران ایرانی، عرب، ترک، لر، کرد
و نیز زائرانی از کشورهای اروپایی و آفریقایی،
آسیایی و گاهی نیز سنی یا مسیحی، دوشادوش
هم به سوی یک مقصد گام برمی‌دارند و تمام
اختلافات ظاهری، سنی و ملیتی و حتی مذهبی
نتوانسته آن‌ها را از هم جدا کند شاید در حدود ۳۰
درصد این جمعیت را زنان، کودکان، خردسالان و
نوجوانان تشکیل می‌دهند که با وجود ضعف
جسمانی، کوچکترین اثری از خستگی و دلهره در
آنان دیده نمی‌شود و همگی با جدیت و نشاطی

حیرت انگیز به سمت کربلا حرکت می کنند. موج جمعیت، همه فضای کنار جاده و جاده را اشغال کرده و گویی سیلی خروشان و بی پایان به سوی کربلا روان است.

۴. نکته دیگری که از چشم هیچ زائری در این مسیر مخفی نمی ماند، عمودها یا تیرهای برقی است که در کنار جاده هستند. این عمودها به عنوان کیلومتر شمار هم فاصله زائر تا مقصد را اعلام می کنند و هم نور کنار جاده را در شب تامین می نمایند و گویا همچون خادمانی مؤدب و مهربان دست بر سینه ایستاده اند و به همه زائران کربلا (با عباراتی همچون هلا بیکم یا زوار، هل بالزوار ابی السجاد، هل بالزوار ابوعلی، هلا بیکم، اهلاً و سهلاً و...) خوشامد می گویند و تا کربلا آن ها را همراهی می کنند. عمودها ایستاده اند تا زائران بروند و مانده اند تا کسی جا نماند. زائران در ابتدای راه توجه چندانی به این خادمان خاموش و شماره های آن ها ندارند اما هر چه جمعیت در طول مسیر افزایش می یابد و خستگی تن زیادتر می گردد نا خود آگاه نگاه ها به شماره عمودها بیشتر می شود. شماره عمودها در آغاز راه پیمایی کمرنگ و بیرنگ به نظر می رسند اما از میانه راه به بعد،

پررنگ‌تر، خواندنی‌تر و معنا دارتر می‌شوند. خدمات متعدد این خادمان خاموش به زائران عبارتند از:

✓ وعده‌گاه زائرین و محل تجمع کاروان‌ها و خانواده‌هایی که به دلایلی سرعت بیشتری دارند؛

✓ وعده‌گاه و مکان استراحت برای همراهانی که جلوتر رفته‌اند و بایستی منتظر بمانند تا دیگران برسند؛

✓ وعده‌گاه برای تعیین میزان مسافتی که هر روز باید طی شود؛

✓ نشانه‌ای برای اعلام فاصله باقی‌مانده تا خانه دوست.^۱

خدمات متعدد عمودها سبب شده که در گفت‌وگوهای روزمره زائران پیاده، از آن‌ها زیاد یاد شود.^۲

۱. یعنی عمود شماره ۱۴۵۲.

۲. جملاتی مانند «مکان استراحت ما عمود ۹۰۰»، «۱۰۰ عمود دیگر می‌رویم»، «وعده ما عمود ۵۰۰»، «۴۰۰ عمود مانده تا کربلا»، «من تا عمود ۸۰۰ رفتم، اما دیگر توان رفتن ندارم»، «عمود ۹۸۰ منتظر شما هستیم»، «مبیت شب عمود ۱۳۰۲».

روزشمار سفر

روز اول^۱، هر چند تازه نفس بودیم اما به دلیل حرکت گروهی و لزوم مراعات حال همراهان تا شب مجموعاً توانستیم حدود سیصد عمود را پشت سر بگذاریم، مسافتی در حدود پانزده کیلومتر. معمولاً ظهرها هنگام اذان در هر کجای مسیر که بودیم در موکبی توقف می کردیم تا با اقامه نماز اول وقت به رضوان الله نائل شویم و پس از اقامه نماز پذیرایی می شدیم و بلافاصله و بدون استراحت به حرکت ادامه می دادیم؛ چون در فصل زمستان روزها کوتاه است و باید حداکثر استفاده را از زمان روز می بردیم. یکی از همراهان ما در این سفر حجت الاسلام حقانی^۲ به همراه خانواده بودند که نه تنها در مسیر

۱. شنبه ۳۰ آذر ۱۳۹۲ شمسی مطابق با ۱۴۳۴ قمری.

۲. ایشان، برادر شهید حقانی (از شهدای هفتاد و دو تن) و دارای مدرک کارشناسی ارشد روانشناسی و تخصص مشاوره بودند؛

رفتن که در مسیر برگشت نیز توفیق همراهی با ایشان نصیب ما شد. معمولاً در طول سفر، حجت الاسلام حقانی نمازهای جماعت را اقامه می کردند. ظهر روز اول هنگام اذان ظهر وارد یکی از موکب های بین راه شدیم. خادمان موکب از همان لحظه ورود ما آن قدر خوشحال و ذوق زده به نظر می رسیدند که به قول دوستان، گویی خدا دنیا را به آن ها داده است و این حالت، حالتی عمومی برای همه موکب داران بود و مهمترین مسال های که هنگام ورود به موکب ها برای استراحت، نظر هر زائری را جلب می کرد، عشق و حرارت و اخلاق موکب داران نسبت به زوار است که به راستی خستگی را از تن زائر بیرون می کند و عزم او را برای رفتن جزم می نماید. پس از نماز بلافاصله سفره غذا پهن شد و برنج و گوشت تازه، آب خنک، چایی داغ و میوه و... جای شما خیلی خالی بود.

پس از صرف ناهار بدون وقفه به راه افتادیم تا ساعت ۵ عصر که تقریباً به عمود سیصد رسیده بودیم. هر چند همه افراد گروه، چه پیر و چه جوان چه زن و چه مرد، آمادگی پیمودن ادامه راه را

فردی با حوصله و متین که بیشتر، مسؤولیت بانوان زائر در کاروان با ایشان بود.

داشتیم، اما به دلیل این که اگر بیشتر ادامه می‌دادیم ممکن بود همه موکب‌ها پر شوند و دیگر فضای مناسبی برای استراحت باقی نماند مجبور شدیم موکبی را برای استراحت انتخاب کنیم که متأسفانه نام آن را هم یادداشت نکردم؛ در این منزل پس از استقرار، بلافاصله برای نماز مغرب و عشاء آماده شدیم، حضرت حجت‌الاسلام حقانی نماز را اقامه کردند و حجت‌الاسلام آقای آقانه‌رانی در حدود نیم ساعتی به سخنرانی پرداختند؛ مطالبی درباره سیدالشهدا علیه السلام خاطراتی از سفرهای قبلی خود و بالاخره توسل و روضه خوانی.

یکی از خاطرات ایشان این بود که می‌گفتند: در سفرهای قبلی شبی در موکبی برای نماز و استراحت توقف کردیم؛ آن شب صاحب موکب در پذیرایی سنگ تمام گذاشت و فردا صبح که می‌خواستیم به راهمان ادامه دهیم، برای ما کاغذی آورد و گفت از شما خواهش می‌کنم این برگه را امضاء کنید. مضمون نوشته‌اش این بود که:

«ما زائران امام حسین علیه السلام شهادت می‌دهیم،

شب‌ی را میهمان این موکب بوده‌ایم.»

او در حالی که اشک می‌ریخت، گفت: وصیت کرده‌ام پس از مرگم این شهادت نامه شما را در

کفنم بگذارند و با من دفن کنند.

پس از سخنرانی و توسل، سفره اطعام گسترده شده و پس از صرف شام، عده‌ای به استراحت پرداختند، چون بنا داشتند ساعت سه بامداد به راه ادامه دهند، اما خیلی‌ها خواب به چشمان‌شان نمی‌آمد، تا ساعت ده شب چندین مرتبه خادمان موکب از دوستان با میوه و چایی و... پذیرایی کردند.

خدمه موکب، همه نوع امکانات لازم را برای آسایش زائرین فراهم کرده بودند. معمولاً قسمت ویژه‌ای برای استراحت زائرین خواهر در نظر گرفته شده که به آن «قاعة النساء» می‌گفتند و بانوان زائر برای استراحت به آن جا می‌رفتند. یکی از زائرین که سال‌ها قبل توفیق زیارت نصیبش شده بود، دستگاه ماساژور برقی همراه داشت و به ترتیب همه زائران بویژه روحانیون کاروان را با کمال افتخار ماساژ می‌داد.

صبح روز دوم، هیئت فاطمیون قم که هیئت‌های فعال و جوان محور شهر قم است و ما میهمانان آن بودیم، پیشنهاد دو برنامه برای سفر داشتند:

برنامه‌ای هنگام ظهر برای سخنرانی و مداحی و

عزاداری و برنامه‌ای هنگام شب برای عزاداری در
موکبی کنار عمود ۱۰۴۰.

ما و همراهانمان در روز دوم، حرکت خویش را
در رود خروشان زائران حسینی از کنار عمود ۳۰۰
آغاز کردیم؛ سفری زیبا و خاطره انگیز با ده‌ها و
صدها شگفتی از عشق زائران به سیدالشهداء (علیه السلام) تا
اذان ظهر به عمود ۵۴۰ رسیدیم و میهمان موکب
ضیوف الزهراء (علیها السلام) گشتیم و طبق معمول نماز اول
وقت را به امامت آقای حقانی به جای آوردیم.

سپس سخنرانی آقای آقاتهرانی و پس از آن
مداحی آقای سلحشور در جوار گروهی از دوستان
هیئت فاطمیون قم و دیگر زائران ایرانی، ساعاتی
زیبا و به یاد ماندنی را برای ما رقم زد، خصوصاً
اشعار دلنشین آقای سلحشور که زیبایی و سادگی
آن اشعار سبب شد به عنوان یکی از خاطرات
شیرین سفر آن را یادداشت کنم.

از غمت ذره ذره آب شدم

گل نبودم ولی گلاب شدم

هر زمانی که آب نوشیدم

یادت افتادم و کباب شدم

تا که احرام اشک را بستم

جزء زوار تو حساب شدم

پادشاه زمین شدم وقتی

به غلامیت انتخاب شدم

من دعای قنوت زهرایم

آن دعایی که مستجاب شدم

هر کجا شیرخواره‌ای دیدم

بی‌قرار غم رباب شدم

پس از آن جلسه به یادماندنی دوباره قدم در

راه گذاشتیم تا بتوانیم با طی پانصد عمود دیگر

یعنی فاصله‌ای در حدود ۲۵ کیلومتر به میعاد

شبانگاهی هیئت فاطمیون قم یعنی عمود ۱۰۴۰

برسیم.

دوباره مانند یک ماهی بی‌قرار دل به دریای

خروشان زائران کربلا زدیم و سوار بر امواج، رو به

سوی ساحل آرامش حرکت کردیم؛ شگفت آور آن

که اینجا کسی عرب و فارس احساس نمی‌کند، همه

اختلافات فراموش شده و تنها محور اتحاد همه،

همان کشتی نجات و چراغ هدایت است.

همه مصمم‌اند تا به ساحل برسند، خستگی،

کم‌خوابی، سوز سرما، تاول پاها و هیچ مانع

دیگری، نمی‌تواند جلوی دل را بگیرد و گویا این نوع

خستگی به گونه‌ای دوست داشتنی شده است.

زائری از اهل تهران می‌گفت: پاهایم را قسم

داده‌ام تا مرا به کربلا برساند و شرمنده حسین علیه السلام نکند.

تعدادی از مسؤولان و دوستان هیئت فاطمیون بعد از ظهر از ما جدا شدند تا خود را به عمود ۱۰۴۰ برسانند و ما هم که تصمیم جدی داشتیم و تلاش می‌کردیم به مراسم هیئت فاطمیون برسیم، گاهی از گروه‌مان جدا می‌شدیم و سریعتر حرکت می‌کردیم. تا اینکه در حوالی عمود ۷۵۰ برای اقامه نماز مغرب و عشاء توقف کردیم. من از آنجایی که یقین داشتم به دلیل زیادی مسافت و کندی حرکت زائرینی که با آن‌ها همراه بودیم، به مراسم هیئت فاطمیون نمی‌رسیم پیشنهاد دادم تا فرصت باقی است و موکب‌ها پر نشده جایی مناسب برای استراحت پیدا کنیم، اما اصرار دوستان مبنی بر ادامه راه، ما را هم مجبور به همراهی کرد. پس از نماز مغرب و عشاء به راهمان ادامه دادیم، هر چه جلوتر می‌رفتیم، پاها خسته‌تر و دل‌ها شیدایی‌تر می‌شد.

از اینجای سفر به بعد دیگر دل‌ها به پاها التماس می‌کردند که زودتر و پیشتر حرکت کن. صندلی‌های خالی کنار جاده صف کشیده و گویا با نگاه‌شان به زائران التماس می‌کنند که ما را برای

استراحت انتخاب کنید، اما غمزه یار دل را به سوی کربلا می کشاند و صندلی ها را بی میهمان باقی می گذارد.

در این راه، سوز حسین است که ساز دل را کوک می کند، همه نگاه ها به جلوست.

کمتر کسی به عقب نگاهی می اندازد.

آن شب همچنان که پیش بینی می شد به عمود ۱۰۴۰ نرسیدیم و در میانه راه ماندیم.

حدود ساعت ده شب بود. از سوز سرما گاهی به آتش های روشن شده کنار موکب ها پناه می بردیم و با یک چایی داغ و یا شلغم داغ نفسی تازه می کردیم.

در موکبی شام را میهمان شدیم و بلافاصله به راه افتادیم. دوستان واقعا خسته شده بودند و گاهی عقب می افتادند و چون تلفن های همراه هم خط نمی داد نمی توانستیم همدیگر را پیدا کنیم. به هر کدام از موکب ها هم که سر می زدیم، جای خالی نبود، در همین حال به دو جوان ایرانی برخوردیم که از موکب خود بیرون آمده بودند و از زائران دعوت می کردند اجازه بدهند تا پاهایشان را ماساژ دهند؛ یکی دانشجویی اهل کرج و دیگر هم گچگار بود؛ خدا خیرشان بدهد، بعد از ماساژ دادن آن ها،

احساس می‌کردیم می‌توانیم یکی دو ساعت دیگر هم به راهمان ادامه دهیم. ما گروه پانزده نفری که از فرط خستگی دیگر توان ادامه دادن نداشتیم به دنبال موکبی برای استراحت می‌گشتیم، اما به نتیجه‌ای نمی‌رسیدیم، بالاخره گروه پانزده نفره ما به گروه‌های سه تا چهار نفره تقسیم شد تا شانس بیشتری برای یافتن مکان استراحت داشته باشیم و قرار شد فردا پس از نماز صبح به یکدیگر ملحق شده و به راهمان ادامه دهیم.

آن شب آقای نایینی و دو نفر از دوستان دیگر همراه ما شدند و در یک گروه چهار نفری به دنبال جایی برای استراحت می‌گشتیم؛ خستگی راه و سوز سرما دیگر رمقی برایمان باقی نگذاشته بود؛ بیایان هم خلوت بود، گاهی یکی دو زائر در حال حرکت به چشم می‌خوردند؛ تا اینکه بالاخره در موکب انصار الحسین علیه السلام کنار عمود ۹۵۶ جایی برای استراحت پیدا کردیم، پیدا کردن جا در این موکب برای ما در حکم معجزه بود، زیرا به خاطر نبودن جا، در حدود پانصد نفر از زائران در فضای بیرون موکب با یک پتو، شب را به صبح می‌رساندند.

آن شب با تمام خاطراتش به پایان رسید و صبح روز سوم، پس از اقامه نماز صبح آماده حرکت

از موکب انصار الحسین (علیه السلام) به سمت کربلا می شدیم؛ صحنه عجیبی بود؛ همه مانند سربازانی مصمم، که عازم رفتن به میدان جهاد و جانفشانی بودند، آماده می شدند.

برخی گوشه و کنار سالن نماز می خوانند؛ برخی مشغول بانندیچی پاهای تاول زده خویش اند. زائران گروه گروه و پرچم به دوش موکب را به قصد کربلا ترک می کنند.

با روشن شدن هوا کم کم بر خیل جمعیت افزوده می شود، البته عده ای هم از ساعت ۳:۳۰ بامداد حرکت خود را آغاز کرده بودند.

امروز (دوشنبه) بنابر تقویم ایران، روز اربعین است، اما آیت الله سیستانی رحمته الله، روز سه شنبه را در کشور عراق، اربعین اعلام کرده اند.

در کنار عمود ۹۸۰ برای صرف صبحانه توقف کردیم و بلافاصله آماده حرکت شدیم، چرا که باید امشب خود را به کربلا برسانیم.

اگر دقت کنی از روز سوم به بعد دیگر ناله کفش ها هم به گوش می رسد، دیگر پاها قدرت کنده شدن از زمین را ندارند و بسیاری با زحمت فراوان و برخی نیز کشان کشان می کوشند تا خود را به مقصد برسانند.

برخی در کنار راه مشغول باند پیچی پاهای
تاول زده خود با زائرانند، عده‌ای به زانوهای خود
باند کشی بسته‌اند تا فاصله باقیمانده تا کربلا را
بتوانند با قوت بیشتری طی کنند.

دل نوشته‌ای دیگر در کنار جاده، نگاه ما را به
خود جلب می‌کند:

كُلِّ مَا عِنْدَنَا مِنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

كُلِّ مَا تَمْلُكَ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

«هر چه نزد ماست از آن حسین است و هر چه
در تملک ماست، مال حسین است.»

از اینجا بوی کربلا بیشتر به مشام می‌رسد، عرض
مسیر به طور متوسط ظرفیت حرکت چهارده نفر در
کنار هم را دارد؛ زائران تک تک و یا در قالب
گروه‌های چند نفری یا هیئتی به راه خود ادامه
می‌دهند. برخی از جوانان ایران کوله بار خود را با
تصویر مراجع زینت بخشیده‌اند و برخی دیگر عکس
رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام را بر
کوله بار خود نصب کرده‌اند که البته این کار به مذاق
برخی خوش نمی‌آمد و معلوم بود، این کار اقدام
موثری در دفاع از ولایت و انقلاب است.

امروز حوالی ساعت هشت صبح بود که با کاروان
جناب آقای استاد طاهرزاده و حجت‌الاسلام

مؤمنیان و دوستان اصفهانی ایشان برخورد کردیم و پس از یک سلام و احوالپرسی گرم، از یکدیگر جدا شدیم؛ استاد طاهرزاده که سال‌های گذشته هم مشرف شده بودند می‌فرمودند این سفر پیاده یکی از لذت بخش‌ترین صحنه‌ها و خاطرات زندگی من است.

در این راه دل‌ها از پاها جلوترند، عشق حسین به جسم و جان نیرو می‌دهد. مظلومیت سیدالشهدا (علیه السلام)، خیل عزاداران دل شکسته و سیاه پوش حسینی و مصائب جانکاه اهل بیت (علیهم السلام)، شور دل را دو چندان می‌کند و دم به دم نیرویی تازه به کالبد بی‌رمق زائران می‌دمد.

به دلیل کمبود وقت، ناچار بودم در هنگام راه رفتن نکته برداری کنم؛ فقط توانستم برخی از این خاطرات را بنویسم، به راستی که وصف زائران و عشق سیدالشهدا (علیه السلام) از توان قلم هم خارج است.

در این راه، همه یا حسین می‌گویند، حتی پیشانی بندها، پرچم‌ها، تابلوها و زمین و زمان. در میان جمعیت چند جوان ایرانی بودند که به زائران عطر می‌زدند.

تانکرهای توزیع کپسول گاز مرتباً در حال توزیع کپسول‌اند؛ تانکرهای آبرسانی نیز مرتب برای تامین

آب شرب و غیر شرب میلیونها زائر، در طول مسیر در رفت و آمدند. البته این به غیر از آب های معدنی است که در بطری های تک نفره و خانواده به طور مرتب میان زائران توزیع می شود.

حوالی عمود ۱۲۰۵ بود که اذان ظهر شد. به اتفاق همراهان نماز جماعت خواندیم. آقای آقا تهرانی و دوستان همراه ایشان که از ما جلوتر بودند در همین حوالی به دنبال موکبی برای نماز و ناهار و استراحت بودند که یکی از اهالی کربلا به نام حیدر شتّان آن ها را به باغ خودش برای پذیرایی دعوت کرده بود.

آقای نایینی هم بلافاصله ضمن تماس تلفنی ما را به آن باغ راهنمایی نمودند.

پس از نماز جماعت حیدر شتّان در کنار فرزندان با کمال عشق و محبت به پذیرایی از دوستان پرداختند؛ آن هم به سبک پذیرایی عربی، بدین نحو که برای هر چند نفر یک سینی بزرگ غذا گذاشتند و خودشان کنار درب ورودی اتاق نشستند تا میهمانان غذا میل کنند؛ من هم که دیدم فضا مناسب است پیشنهاد توسل به سیدالشهدا (علیه السلام) را دادم و دوستان نیز از این پیشنهاد استقبال کردند و بدین ترتیب محفل

عزای باصفایی برپا شد.

حیدر شتّان در میهمانخانه خود، تابلویی نصب کرده بود که شعر زیبای آن توجه هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کرد:

دع الدنيا وزینتها لوغدا

و حاذرها اذا كنت الرشيدا

اترجو الخير من دنیا اضاعت

حسین السبط و اختارت یزیدا

«دنیا و زیبایی‌های آن را برای انسان‌های ضعیف و فرومایه واگذار و اگر عاقل و رشد یافته‌ای از آن دوری کن؛

آیا امید خیر داری از آن دنیایی که امام حسین ﷺ فرزند پیامبر ﷺ را وا گذاشت و چونان یزید را برگزید؟»

پس از صرف غذا و جلسه توسل، حیدر شتّان برای استراحت ما پتو آورد و ما حدود یک ساعتی استراحت کردیم و بعد از گرفتن عکس‌های یادگاری در باغ حیدر شتّان حدود ساعت چهار بعد از ظهر، با حیدر شتّان وداع کردیم و به سوی کربلا روانه شدیم. هر چه به کعبه آمال و به سرزمین موعود کربلا نزدیکتر می‌شدیم، شور و عشق و اشک ما بیشتر می‌شد و با خستگی راه درهم می‌آمیخت و

صحنه‌های دلپذیر و زیبایی می‌آفرید؛ در این باقیمانده راه، جمعیت فشرده‌تر، موکب‌ها فعال‌تر و نواهای کاروانهای جمعی در هم تنیده‌تر می‌شوند. نیروهای امنیتی در ورودهای کربلا تلاش می‌کنند تا با بازرسی دقیق، امنیت زائران را تضمین نمایند.

بعد از پست‌های بازرسی، تولیت حرم حسینی علیه السلام و عتبه حضرت ابوالفضل علیه السلام، از زائران پذیرایی می‌کنند و در کنار موکب‌ها افرادی آماده ماساژ دادن پاهای زائران‌اند، چرا که خستگی راه، بیشتر زائران را نیازمند ماساژ داده شدن کرده است. هنگام اذان مغرب به منطقه بدر کربلا رسیدیم؛ جایی که در حدود چهار کیلومتر با حرم سیدالشهدا علیه السلام فاصله دارد، با اصرار یکی از موکب‌داران و به اتفاق همه دوستان و همراهان، میهمان موکب آنان شدیم.

پس از نماز جماعت مغرب و عشاء خدمه موکب با اشتیاق وصف ناپذیری با مرغ سرخ کرده و نان تازه تنوری مشغول پذیرایی از دوستان شدند. بعد از شام حلقه ذکر و توسل به امام حسین علیه السلام تشکیل دادیم؛ ابتدا حجت الاسلام والمسلمین آقا تهرانی و سپس تک تک دوستان هر یک جداگانه

به ذکر مصیبت پرداختند.

حجت الاسلام شهیدی، بنده کمترین و آقای رسول سموعی و حجت الاسلام نایینی روضه‌ای خواندند؛ ما حلقه وار نشسته بودیم و میزبانان ایستاده و همه گریه می‌کردیم؛ جلسه معنوی و پر سوزی بود که هیچگاه از خاطر حاضران جلسه نخواهد رفت.

با ترک موکب گام‌های نهایی تا رسیدن به کربلا آغاز گشت، اما توسلات و ذکر و و مناجات‌ها بیشتر شده بود، گویا فرشتگان مقیم کربلا هم برای استقبال از زائران آمده بودند، برخی اشک می‌ریختند و برخی زیر لب با سید و سالار شهیدان به نجوا مشغول بودند. بالاخره پس از عبور از دو سه مرحله بازرسی امنیتی قدری نشستیم تا هم استراحتی کرده باشیم و هم دوستان، آهسته آهسته به ما برسند.

در این بین دوباره محفل انسی شکل گرفت و هر یک از دوستان به ذکر مصیبتی پرداختند و این جلسه توسل در واقع اذن دخول به بین‌الحرمین بود.

محل اقامت ما در مدرسه‌ای با فاصله چند کیلومتری از حرم بود، هنگامی که به کربلا رسیدیم،

بین دوستان دو پیشنهاد وجود داشت: گروهی می‌گفتند امشب را به منزلی که برای استراحت در نظر گرفته شده بود، برویم و گروهی می‌گفتند ابتدا به زیارت برویم؛ بنده پیشنهاد دادم با دوستان به بین‌الحرمین برویم، دست و پایمان را به آقا نشان بدهیم و زیارتی بخوانیم و آنگاه برای استراحت به محل اسکان برویم؛ این پیشنهاد مقبول همه واقع شد تا بدین ترتیب نشانه‌های عشق برای زیارت سیدالشهدا علیه السلام و برادر باوفایشان به پیشگاه آن حضرت عرضه شود.

با عبور از بین جمعیت به هم فشرده زائرین، بالاخره در گوشه‌ای از بین‌الحرمین به قراءت زیارت اربعین مشغول شدیم و پس از آن به منزلی که جناب آقای یکتا و دوستان‌شان از پیش هماهنگ کرده بودند، برای استراحت رفتیم.

الحمدلله، به سلامت به محل اسکان رسیدیم، اما چون همه اتاق‌های آنجا پر بود مجبور شدیم به اتفاق دوستان، آشپزخانه محل اسکان را برای استراحت انتخاب کنیم.

شب پر خاطره‌ای بود، سردی هوا و نبودن وسیله گرمایشی و سوز زمستان اجازه به خواب رفتن را به کسی نمی‌داد، اما خستگی بیش از حد،

سبب شد بتوانیم تا نزدیکی اذان صبح بخواییم. قبل از اذان صبح برخاستیم، وضو گرفتیم و برای زیارت به سمت حرم به راه افتادیم. جمعیت بسیار زائرین اجازه ورود به حرم را به ما نمی داد اما به هر حال پس از ساعتی وارد حرم شدیم. طی کردن مسیر صحن تا خود حرم و برگشت از آن در حدود ۴۵ دقیقه طول کشید تا توانستیم زیارتی دوره‌ای به جا آوریم.

پس از زیارت حرم امام حسین (علیه السلام) به سمت حرم ابوالفضل (علیه السلام) حرکت کردیم. حرکت از میان هزاران زائر خسته و گریان که تازه از راه رسیده بودند، سخت و عجیب بود؛ بیشترشان پای برهنه بودند. روح خاصی بر فضای کربلا حاکم بود.

امروز در تقویم عراق روز اربعین است، از سویی فوج فوج جمعیت وارد کربلا می شود و از سویی عده بسیاری از زائرین نیز قصد خروج از کربلا را دارند. با عبور از میان جمعیت فشرده زائران خود را به حرم حضرت ابوالفضل (علیه السلام) رساندیم، شور و همه‌های به پاست.

گوشه‌ای از صحن ایستادیم، پاهایمان دیگر توان ایستادن ندارد، حدود دو ساعت است که روی پا ایستاده‌ایم؛ پس از زیارت، به سوی بین‌الحرمین

به راه افتادیم. اطراف حرم حضرت عباس علیه السلام با صبحانه از زائران پذیرایی می شود. به اتفاق آقای نایینی و دیگر دوستان، صبحانه را همان جا میل کردیم و به سمت محل استراحت به راه افتادیم؛ ساعت هشت صبح به استراحتگاه رسیدیم. همین امروز باید از کربلا به سوی نجف حرکت کنیم، زیرا ساعت ده شب به سمت تهران، برای پرواز بلیط داریم. ساعت ده صبح بود که استراحتگاه را ترک کردیم، اما تا رسیدن به دروازه های خروجی کربلا دو ساعتی پیاده روی کردیم؛ پس از اقامه نماز ظهر و عصر در مسجدی نزدیکی های دروازه های کربلا، به راهمان ادامه دادیم.

تا اینجا هنوز هیچ ماشینی به خاطر خیل جمعیت زائرین اجازه تردد ندارد. پس از نیم ساعت، به راه اصلی کربلا نجف رسیدیم. در این مسیر دلدادگان سیدالشهدا علیه السلام در کنار راه درهای خانه ها را برای پذیرایی به روی زائران گشوده اند و با شربت و چایی و غذا، زائران را پذیرایی و بدرقه می کنند.

حدود پنج کیلومتر از راه اتوبوس ها و ماشین ها صف بسته اند تا خیل عظیم زائران را سوار کنند؛ ما هم حدود یک کیلومتر دویدیم تا به اتوبوسی خالی برسیم و بالاخره به سمت نجف برگشتیم.

شایسته است هر کسی می تواند لحظات فراموش نشدنی سفر کربلای خود را در قالب سفرنامه ای بنویسد و با یاد لحظات معنوی زیارت و سیر در ملکوت حسینی، به توفیق حضور در این حماسه، افتخار کرده و این ذخیره معنوی را برای خود ماندگار کند.

سؤال: کربلا و فرات، کعبه و زمزم کدام یک از

نظرشان و مقام بالاتر است؟

جواب: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «زمین کعبه

گفت: کیست مثل من و حال آن که خانه خدا، بر پشت من ساخته شده است که مردم از اطراف عالم به سوی من می آیند و حرم خدا و محل امن او هستم. خداوند به او وحی فرمود: ساکت شو و آرام بگیر، فضلی که تو داری در مقابل سرزمین کربلا فضلی نیست مگر به اندازه رطوبت سر سوزنی که در دریا فرو برند. و اگر تربت کربلا نبود، تو را فضیلت نمی دادم و اگر کسی که زمین کربلا او را در بر می گیرد، نبود، اصلاً نه تو را می آفریدم و نه آن خانه ای که به آن فخر کردی. پس آرام بگیر و در مقابل کربلا متواضع و ذلیل باش و در برابرش تکبر مکن و گرنه تو را در آتش می افکنم.»^۱

۱. ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۲۶۷.

پاسخ به یک پرسش مهم

در عصر حاضر و با توجه به تسهیلات و امکانات ماشینی امروزه و نیز با توجه به ارزش زمان آیا معقول است انسان مسیری را که می‌تواند با وسیله نقلیه در کمتر از یک ساعت پیماید، در سه روز طی کند؟ آیا این اتلاف وقت نیست؟ مدیریت زمان در این میان چه جایگاهی دارد؟

در پاسخ به این سوال توجه به چند نکته ضروری است:

۱. آنکه اتلاف وقت زمانی مفهوم دارد که وقت انسان در کاری پوچ، بی‌معنا و بی‌مبنا مصرف شود که فایده‌ای دنیایی یا آخرتی به دنبال نداشته باشد، در حالی که زیارت با پای پیاده مبنای قرآنی و روایی دارد که در مبحث مبانی زیارت پیاده بدان اشاره شده است؛

۲. عبادت یا همان عامل تقرب به خدا، در

اسلام شکل های گوناگونی دارد که یکی از اشکال عبادت در فرهنگ دینی، زیارت رفتن با پای پیاده است، حال چه زیارت خانه خدا و چه زیارت معصومین (علیهم السلام). این عبارت در سیره معصومین (علیهم السلام) عرفا، علما و حکمای پیشین به وفور دیده می شود و در یک کلام، زیارت با پای پیاده در کنار آثار تربیتی شگفت انگیزی که دارد، عبادتی منحصر به فرد و با ارزش است که هر قدمش ثواب یک حج دارد.

۳. باید دقت کرد آیا زندگی ماشینی عصر حاضر، همه جا و همیشه به نفع بشر بوده است؟ و یا مانند همه ابعاد تکنولوژی، گاهی در کنار تسهیلاتی که برای ما فراهم می کند، آسیب هایی را نیز به همراه دارد. در یک بررسی اجمالی می توان دریافت، زندگی ماشینی امروز و سرعت ناشی از آن، آسیب های جبران ناپذیری را برای بشر به دنبال دارد که از جمله آن ها می توان اضطراب، نگرانی، ضعف تفکر، قطع ارتباط با درون و از بین رفتن ساعات خلوت با خود را نام برد؛ اما زیارت با پای پیاده علاوه بر فوائد جسمانی و معنوی نوعی تجربه شیرین زندگی بدون ماشین است که فرصت برقراری ارتباط با درون، تحصیل حالت ذکر و نیز فکر عمیق و بارور شدن اندیشه در مسائل دینی و

ولایی را به همراه دارد.

۴. اینکه زیارت با پای پیاده؛ طعم زیارت را به مذاق روح، گواراتر و شیرین تر می کند و زیارتی جهادی و پر شور را برای زائر رقم می زند، به گونه ای که هنگام رسیدن به مزار معصوم علیه السلام با پای پیاده، حالاتی معنوی و خاص برای زائر به وجود می آید، زیرا وصال محبوب پس از تحمل رنج و سختی راه، لذتی دیگر دارد.

۵. اینکه امروز زیارت کربلا با پای پیاده علاوه بر جنبه عبادی، جنبه سیاسی نیز به خود گرفته است، به گونه ای که در ایام اربعین همه نگاه های رسانه های جهان و حتی مخالفان شیعه را به خود معطوف ساخته و به عنوان مانوری نرم و نمایش اقتدار شیعه، عامل مهمی در تبلیغ مکتب اهل بیت علیهم السلام به شمار می رود.

همچنین این راه پیمایی زیارتی، علاوه بر تنظیم شعائر الهی، نوعی مقابله با تفکرات وهابیون در نفی زیارت می باشد.

۶. گذشته از تمام این دلایل، شما می توانید در طول مسیر زیارت، با ثبت خاطرات، مباحثات علمی، تفکر در حالات نورانی و با صفای زائرین و انجام عبادت های دیگری چون نماز، ذکر، دعا و...

۱۰۴ ■ سفیر الحسین (علیه السلام)

از زمان پیاده روی برای زیارت، بیشترین استفاده را
ببرید.

اماكن كربلا

- ✓ حرم مطهر امام حسين عليه السلام؛
- ✓ حرم مطهر حضرت ابو الفضل عليه السلام؛
- ✓ تل زينبيه؛
- ✓ خيمه گاه (مخيّم)؛
- ✓ كف العباس «چپ»؛
- ✓ كف العباس «راست»؛
- ✓ مقام صاحب الزمان عجل الله تعالى فرجه الشريف؛
- ✓ محل ملاقات امام حسين عليه السلام با عمر سعد؛
- ✓ مقام على اكبر عليه السلام؛
- ✓ مقام على اصغر عليه السلام؛
- ✓ مرقد ابن حمزه؛
- ✓ مرقد حر بن يزيد رياحى؛
- ✓ مقام امام صادق عليه السلام؛
- ✓ مرقد ابن فهد حلى؛
- ✓ مقام امام موسى كاظم عليه السلام؛

١٠٦ ■ سفير الحسين ﷺ

✓ باب القبلة؛

✓ باب السدرة؛

✓ حائر حسيني.

ازیارت نامه اربعین |

شیخ طوسی از صفوان جمال روایت می کند که
گفت: مولایم امام صادق علیه السلام در ارتباط با زیارت
اربعین به من فرمود: هنگامی که روز، بالا آمد
خطاب به امام حسین علیه السلام می گویی:

السَّلَامُ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَ حَبِيبِهِ

سلام بر تو ای ولی خدا و حبیب خاص خدا

السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ وَ نَجِيبِهِ،

سلام بر تو ای دوستدار و محبوب و برگزیده خدا،

السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ وَ ابْنِ صَفِيهِ

سلام بر بنده خالص فرزند بنده خاص خدا

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ،

سلام بر حسین مظلوم شهید راه خدا،

السَّلَامُ عَلَى أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَ قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ،

سلام بر آن اسیر غم و اندوه و مصایب سخت عالم و کشته آب چشمان،

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ

پروردگارا من گواهی می‌دهم که آن حضرت ولی تو و فرزند ولی توست

وَ صَفِيِّكَ وَابْنُ صَفِيِّكَ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ،

و برگزیده تو و فرزند برگزیده توست که به لطف و کرم‌ت رستگار شد،

أَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ وَ حَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ

تو او را به فیض شهادت گرامی داشتی و به سعادت مخصوص گردانیدی

وَ اجْتَبَيْتَهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ، وَ جَعَلْتَهُ سَيِّدًا

و به پاکی نسل برگزیدی، و او را امام بزرگی

مِنَ السَّادَةِ وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ

از بزرگان عالم و پیشوایی از پیشوایان الهی جهان قرار دادی

وَ ذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ وَ أُعْطِيَتْهُ

و مدافع از اسلام مقرر داشتی و میراث تمام پیمبران را به او

مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ، وَ جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى

عطا کردی، و او را از جانشینان پیغمبر و حجت خود بر خلق

خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ فَأَعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ

گردانیدی او هم در اتمام حجت بر خلق رفع هر عذر از امت کرد

وَ مَنَعَ النَّصْحَ، وَ بَذَلَ مُهْجَتَهُ

و اندرز و نصیحت امت را با عطوفت و مهربانی انجام داده، و خون پاکش را

فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ

در راه تو به خاک ریخت تا بندگانت را از جهالت و حسرت و گمراهی

خَيْرَةِ الضَّلَالَةِ، وَ قَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ

نجات ده‌دهد، و مردمی که

مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَزْدَلِ

مغرور دنیا شدند و بهره آخرت‌شان را به متاع

الدُّنْيَى وَشَرَىٰ آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ،

ناچیز پست دنیا فروختند

وَتَغَطَّرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ

و ظلم و جور کردند، و در پیروی هوای نفس هلاک شدند

وَأَسْخَطَكَ وَأَسْخَطَ نَبِيَّكَ،

و تو را و پیغمبرت را به خشم و غضب آوردند،

وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَالنِّفَاقِ

و از آن بندگان که از اهل شقاق و نفاق و دشمنی با تو بودند پیروی کردند

وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ (لِلنَّارِ)،

در صورتی که آنها حامل بار سنگین گناه و مستوجب آتش دوزخ بودند،

فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا

پس این امام بزرگوار با آن ستمکاران در راه تو جهاد کرد و به اخلاص کامل صبر و تحمل کرد

مُحْتَسِبًا حَتَّىٰ سُفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ

و مشقت بسیار کشید تا آنجا که در راه طاعتت خون پاکش ب خاک ریخت

وَأَسْتَبِيحَ حَرِيمُهُ، اللَّهُمَّ فَالْعَنَهُم

و حريم مطهر و هتك حرمت خاندان پاکش را مباح شمردند، پروردگارا تو آن قوم

لُعْنًا وَبَيْلًا وَعَذِبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا،

ستمکار ظالم را لعن شدید کن و به عذاب سخت دردناک معذب ساز،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا ﷺ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ،

و فرزند سید اولیاء و اوصیاء پیغمبر خدا،

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَ ابْنُ أَمِينِهِ

گواهی می‌دهم که تو امین وحی خدایی و فرزند امین حق

عِشْتَ سَعِيداً وَ مَضَيْتَ حَمِيداً وَ

همه عمر با سعادت در جهان زیستی و با ثنای حق درگذشتی

مُتَّ فَقِيداً مَظْلُوماً شَهِيداً، وَ أَشْهَدُ

و از دنیا رحلت کردی و مظلوم و شهید راه حق گشتی، و باز گواهی

أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزُ مَا وَعَدَكَ وَ مُهْلِكُ

می‌دهم که خدای متعال وعده‌ای که به تو داده است به آن البته وفا

مَنْ خَذَلَكَ وَ مُعَذِّبُ مَنْ قَتَلَكَ،

کند و آنان که تو را خوار و مضطر گذاشتند همه را هلاک کند و قاتلان را

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ

عذاب سخت چشاند، و باز گواهی می‌دهم که تو به عهد خدا وفا کردی

وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ،

و در راه خدا همه عمر جهاد کردی تا هنگام رحلت فرا رسید،

فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ

پس خدا لعنت کند آنان که تو را کشتند و یا درباره

مَنْ ظَلَمَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

تو ظلم و ستم کردند و باز خدا لعنت کند آن کس را که

سَمِعْتَ بِذَلِكَ فَرَضَيْتَ بِهِ،

به قتل و ظلم تو چون شنید راضی و خوشنود گشت،

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ مَنْ وَالَاهُ

پروردگارا من تو را گواه می گیرم که من دوست آن حضرت و دوست

وَعَدُوُّ مَنْ عَادَاهُ، بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي

دوستداران او هستم و دشمن با دشمنان او، پدر و مادرم فدای تو

يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ

ای فرزند رسول خدا گواهی می دهم که تو

نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ

نوری در اصلا ب پدران عالی رتبه و ارحام مادران پاک طینت بودی،

(الطَّاهِرَةِ)، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا

و نجاست جاهلیت تو را آلوده نساخت

وَلَمْ تُلْبِسْكَ الْمَذْهَبَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا،

و جامه های تیره ظلمانی اعصار جاهلیت تو را نپوشانید،

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ

و باز گواهی می دهم که تو محققاً از ارکان دین خدایی

وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ،

و اصل و اساس آیین مسلمین و پناه و نگهبان اهل ایمان،

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ السَّيِّدُ

و باز گواهی می دهم که تویی محققاً پیشوای نیکوکار با تقوای پسندیده صفات

الرَّضِيِّ الزَّكِيِّ الْهَادِي الْمُهْدِي،

پاک و پاکیزه ذات و هدایت کننده خلق و هدایت یافته به حق،

وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِكَ

و باز گواهی می دهم که نه تن از امامان امت که از فرزندان تو

كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ أَغْلَامُ الْهُدَى

همه با روح تقوی و راهنمای طریق حق

وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا،

و رسته محکم ایمان خلق و حجت خدایند بر تمام اهل دنیا،

وَ أَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ

و شهادت می دهم که من به امامت و حقانیت شما ایمان و به رجعت

مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي،

شما یقین دارم و در شروع به آیین و ختم کارم،

وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَ

و قلبم تسلیم قلب پاک شما و همه کارم

نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ،

پیرو امر شماست و یاریم تا خدا اذن دهد برای شما مهیا است،

فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَأَمَعَ عَدُوُّكُمْ، صَلَوَاتُ اللَّهِ

پس البته با شما هستم نه با دشمنان شما، درود خدا بر شما

عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَزْوَاجِكُمْ وَ أَجْسَادِكُمْ

و بر جسم و جان پاک شما باد،

(أَجْسَامِكُمْ)، وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ ظَاهِرِكُمْ

و درود خدا بر شما باد از حاضر و غایب شما و بر ظاهر و بر باطن

وَ بَاطِنِكُمْ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

شما باد ای پروردگار عالمیان عالم این دعای مرا اجابت فرمای.

پس دو رکعت نماز می کنی و دعا می کنی به

آنچه می خواهی و برمی گردی.

منشورات ولاء منتظر عِجَالِ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف

- ✓ منشور فرهنگ از دیدگاه امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ؛
- ✓ منشور فرهنگ از دیدگاه رهبر انقلاب؛
- ✓ تبار انحراف؛
- ✓ بوستان معرفت؛
- ✓ شناخت و بررسی شیطان پرستی؛
- ✓ عصر امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ (فارسی، عربی، انگلیسی، اردو)؛
- ✓ ارتجاع روشن فکری؛
- ✓ ولایت فقیه از دیر باز؛
- ✓ وظایف متقابل حوزه و نظام اسلامی؛
- ✓ گزیده عصر امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ؛
- ✓ آزمون خواص؛
- ✓ جنگ و قطع نامه های سازمان ملل؛
- ✓ دفاع مقدس رخداد عظیم؛
- ✓ جستاری برپایان جنگ (مستشهدین)؛

- ✓ راه مستقیم انقلاب ۱ (فجر انقلاب)؛
- ✓ راه مستقیم انقلاب ۲ (فجر انقلاب)؛
- ✓ دوره کامل سینما؛
- ✓ دوره کامل راه و رسم طلبگی (دو جلدی)؛
- ✓ خدمات متقابل حوزه و نظام اسلامی امام (۱)؛
- ✓ دانش تحصیل دانش؛
- ✓ خورشیدهای تابان؛
- ✓ ستارگان درخشان؛
- ✓ عبرت‌های فراوان؛
- ✓ الگوهای نمایان؛
- ✓ ...